

به نام خدا

پاسخ [جمهوری اسلامی ایران] به پیش‌نویس گزارش گزارشگر ویژه به هفتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد [مورخ اکتبر ۲۰۱۵]

[توضیح: با توجه به برخی تغییرات در گزارش نهایی گزارشگر ویژه، شماره ارجاعات به بندها گزارش، در پاسخ‌های جمهوری اسلامی ایران به پیش‌نویس گزارش، لزوماً یکسان نیستند.]

مقدمه:

انتصاب یک گزارشگر برای کشور خاص برای کشوری مثل ایران که تعهدات خود در قبال شهروندانش و جامعه بین‌المللی را رعایت کرده، بی‌جا، بی‌معنی و کاملاً مخرب است. شورای حقوق بشر برای جلوگیری از استاندارد دوگانه تاسیس شده است، و مکانیسم یوپی‌آر (UPR)، به عنوان یک نهاد در حال تحول بر مبنای مسئولیت مساوی همه کشورها ساخته شده است. از این رو، این مکانیسم جهانی نباید از طریق ساخت مکانیسم‌های موازی تبعیض آمیز تضعیف شود. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران بر این عقیده است که انتصاب یک گزارشگر ویژه به دلایل فوق غیرقابل قبول است. علیرغم این واقعیت که جمهوری اسلامی ایران انتصاب گزارشگر ویژه را بی‌جا می‌داند، با این حال، در راستای تداوم قصد ایران به همکاری با مکانیسم‌های حقوق بشری سازمان ملل متحد، و با انگیزه ارائه اطلاعات قابل اعتماد و معتبر، هیئت‌های نمایندگی ما در ژنو و نیویورک، و همچنین نمایندگان سایر مقامات جمهوری اسلامی ایران چندین بار با گزارشگر ملاقات کرده‌اند و تعامل با وی ادامه خواهد یافت.

بندهای ۱ و ۳:

جمهوری اسلامی ایران همواره بر ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای خود تأکید نموده و تعهدات بین‌المللی خود را دنبال کرده است. خاتمه توافق هسته‌ای اخیر بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای ۱+۵ که ماهیت صلح‌آمیز برنامه ایران و ادعاهای نادرست را تأیید کرد، هدف پایان دادن به تحریم‌های غیرقانونی و غیرانسانی که مردم ایران را سالهاست هدف

قرارداده را دنبال می‌کند. مردم ایران همه سختی‌ها و تحریم‌های ناعادلانه را به خاطر رسیدن به اهداف توسعه و حق دسترسی به (تکنولوژی) هسته‌ای صلح‌آمیز خود تحمل کردند. علاوه بر این، تاریخ ۳۶ ساله جمهوری اسلامی ایران تلاش‌های مستمر دولت و مردم ایران برای رسیدن به حقوق و اهداف بلند انسانی مانند عدالت، توسعه، و رفاه عمومی را نشان می‌دهد که در دوره پس از توافق ادامه پیدا خواهد کرد.

بند ۲:

گزارشگر ویژه توجه خود را به تأثیرات منفی و غیرانسانی تحریم‌ها که توسط برخی کشورها علیه ایران اعمال شده معطوف کرده است. در حالی که از توجه او به این موضوع استقبال می‌کنیم، شاید مناسب‌تر بود اگر گزارشگر ویژه از آغاز حکم خویش با محکوم کردن چنین تخلف آشکاری از حقوق بشر مردم ایران، توجه جدی بیشتری به این موضوع نشان می‌داد و به خاتمه این روند مخرب کمک می‌کرد.

بندهای ۴ و ۵:

جمهوری اسلامی ایران به صورت فعال در دومین چرخه بررسی دوره‌ای جهانی‌اش شرکت کرده و ۲۹۱ توصیه در گفت‌وگوی تعاملی خود با کشورهای عضو و ناظر شورا دریافت کرده است. ایران حمایت خود را از حدود ۶۵ درصد توصیه‌های دریافت شده اعلام کرد. شایان ذکر است که تعداد زیادی از توصیه‌هایی که با حمایت ایران روبرو شد، عبارتند از مسایلی که قبلاً اجرا شده و یا در جریان اجرا شدن هستند، و شامل برنامه‌های توسعه هستند. تعدادی از توصیه‌ها به رغم ادبیات توهین‌آمیز و مفروضات نادرست، به دلیل اهداف مثبت‌شان تا حدودی با حمایت ایران روبرو شده‌اند. از آنجا که بعضی از توصیه‌ها شامل عبارات یا بخش‌هایی بودند که با قوانین جاری و ارزش‌های ایران مغایر هستند، بخش‌هایی از این توصیه‌ها نیز پذیرفته شده‌اند، چون پذیرش کامل آنها برخلاف قوانین اجرایی کشور است. با این حال، بسیاری از کشورهای جهان توصیه‌های سازنده و مسئولانه‌ای، از جمله در خصوص مسایل زنان، ارائه کرده‌اند که مورد استقبال ایران قرار گرفته است. درصد بالای توصیه‌های پذیرفته شده بیانگر توجه جدی ایران به ارتقاء مستمر حقوق بشر از طریق همکاری و گفت‌وگو با دیگران بوده است. در این ارتباط، ایران بر حمایت خود از مکانیسم یوپی‌آر (UPR) تأکید می‌کند - همانگونه که در سند تاسیس شورای حقوق بشر آمده - این مکانیسم مبتنی بر اصول جهان‌شمولی، غیرانتخابی بودن، و رفتار برابر با همه کشورها از طریق گفت‌وگو، تعامل و همکاری سازنده اعضای سازمان ملل متحد است که می‌تواند ابزاری موثر برای ارتقاء و حفاظت از حقوق بشر فراهم کند.

بند ۶:

در راستای تعامل جمهوری اسلامی ایران با رویه‌های ویژه شورای حقوق بشر، تا به حال هفت گزارشگر موضوعی و کارگروه شورا از ایران دیدار کرده‌اند. علاوه بر این، ایران اخیراً از گزارشگر ویژه در خصوص حق برخورداری از غذا دعوت کرد تا در سال ۲۰۱۵ از کشور دیدار کند. این دعوت مورد استقبال گزارشگر قرار گرفت، اما به دلیل برنامه‌های از پیش تنظیم شده، وی قادر به بازدید از کشور در سال ۲۰۱۵ نبود، و طبق تقاضای وی این دیدار برای سال ۲۰۱۶ مجدداً برنامه ریزی خواهد شد. همچنین، در راستای ارتقاء همکاری و تعامل با دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر، در ملاقاتش با کمیساریای عالی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران از وی برای یک دیدار رسمی از ایران دعوت کرد. در خصوص موضوع پاسخ به مکاتبات رویه‌های ویژه در دوره‌ای که در پیش‌نویس گزارش قید شده، باید خاطر نشان شود که چهار نامه در اوت ۲۰۱۵ دریافت شدند که هنوز فرصت پاسخ دارند، و بعضی ارتباطات در مورد یک مورد به خصوص هستند (مانند پرونده سامان نسیم که به نظر می‌آید پاسخ ایران هنوز در میان رویه‌های درخواست‌کننده توزیع نشده و بنابراین درخواست‌ها تکرار شده‌اند). پاسخ به تعدادی از ارتباطات در حال ترجمه هستند و بعداً به نهادهای درخواست‌کننده ارسال خواهند شد.

بند ۷:

متأسفانه، گزارشگر ویژه توجه کافی به پاسخ‌های منطقی و اثبات شده قبلی جمهوری اسلامی ایران مبذول نکرده است. او با بهره‌گیری از منابعی که مانند گزارش‌های قبلی عمدتاً غیرقابل اعتماد هستند، شیوه رفتاری دارندگان حکم سازمان ملل متحد که در قطعنامه ۲/۵ شورای حقوق بشر آمده را نادیده گرفته است. انتظار می‌رود که گزارشگر در گزارش نهایی خود گزارش‌های قبلی ایران و همچنین پاسخ پیش رو را هم شامل کند. همچنین لازم است که گزارشگر مطابق با شیوه رفتاری رویه‌های ویژه، پاسخ ایران را نیز در انتهای هر بند مرتبط در گزارش نهایی خود شامل نماید. همچنین از گزارشگر ویژه انتظار می‌رود که در راستای توسعه همکاری و تعامل با مکانیسم‌های سازمان ملل از استقاده از ادعاهای کلی و مبهم و اتهامات در نظر گرفتن وضعیت حقوق بشر در ایران خودداری کند. گزارشگر ویژه همچنین باید از قضاوت شتابزده در مورد محتوای پیش‌نویس‌های لوایح و قوانینی که هنوز نهایی نشده‌اند اجتناب کند.

بند ۸:

بر اساس اصول و روش کار مکانیسم یو پی آر، کشورهای عضو می‌توانند با توجه به قوانین و برنامه‌های ملی خود، داوطلبانه توصیه‌های کشورهای دیگر را بپذیرند. از این رو، جمهوری اسلامی ایران بیش از ۶۵ درصد توصیه‌هایی که طی دومین چرخه بررسی یو پی آر خود دریافت کرده است را پذیرفته است، که نشان دهنده سطح بالای همکاری آن و قصد

ارتقاء بیشتر حقوق بشر در کشور است. علاوه بر این، طبق روش کاری فوق‌الذکر، بسیار طبیعی است که کشورها برخی توصیه‌ها را نپذیرند یا آنها را به عنوان یک الویت قرار ندهند. بدیهی است اصول محاکمات عادلانه و فرآیند دادرسی عادلانه همیشه در پرونده‌های قضایی و به ویژه در پرونده‌های مربوط یا منجر به مجازات اعدام رعایت می‌شوند و این موضوع از طریق قبول توصیه‌های مرتبط توسط ایران تأکید مجدد شده است. علاوه بر این، از آنجا که تعداد افرادی که از طریق جرایم مرتبط با مواد مخدر قربانی و یا مجروح می‌شوند بسیار بالاست، به نحوی که بسیاری از افراد (نه تنها یک نفر) را پوشش می‌دهد، این نوع جرایم از قتل عمد مهم‌تر هستند. بنابراین، قوانین داخلی ایران جرایم مرتبط با مواد مخدر را به‌عنوان جدی‌ترین جرایم شناسایی می‌کنند، و در خصوص قانونی بودن مجازات اعدام و آثار آن بر کاهش جرایم، به ویژه نقش آن بر پیشگیری از قاچاق مواد مخدر به عنوان حرفه‌ای کم‌ریسک و پرسود، عدم حمایت از توصیه‌هایی که تقاضای توقف مجازات اعدام را دارند - در حال حاضر - در راستای امنیت ملی، رفاه و سلامتی مردم ایران است.

مطابق قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، مجازات اعدام محدود به جدی‌ترین جرایم، که شامل قاچاق گسترده مواد مخدر است محدود شده است. چنین جرایمی با دقت بسیار توسط دادگاه‌هایی که در آنها نمایندگان دادستان، متهم، و وکیل مدافع او باید حاضر باشند بررسی می‌شوند. متعاقباً جلسات کافی دادگاه برگزار خواهند شد که در آنها پرونده منصفانه بررسی شده و حکم صادر می‌شود. چنین پرونده‌هایی تنها می‌توانند با حضور یک وکیل پیگرد قضایی شوند. جلسه‌هایی که در آنها وکیل حضور نداشته باشد رسمیت ندارند و محکومیت‌ها و احکام آنها از قدرت قضایی عاری هستند و ممکن است توسط دیوان عالی نقض شوند. ماده ۳۲ قانون اصلاح مبارزه با مواد مخدر (مورخ ۱۹۹۷) اظهار می‌دارد: احکام اعدامی که به موجب این قانون صادر می‌شود پس از تأیید رئیس دیوان عالی کشور و یا دادستان کل کشور قطعی و لازم‌الاجرا است. بنابراین حاشیه خطا به حداقل رسیده است، چرا که اگر هر یک از مقامات فوق حکم را با شریعت یا موازین حقوقی در تناقض ببینند، اختیار این را دارند که تقاضای بررسی مجدد یا نقض حکم کنند. این پروتکل حقوق کامل متهم را برای وی تأمین می‌کند. علاوه بر این، طبق قانون جدید آیین دادرسی کیفری (که از تاریخ ۲۲ ژوئن ۲۰۱۵ اجرایی شده) دادگاه‌های تجدید نظر استان یا دیوان عالی کشور می‌توانند احکام صادره را بررسی کنند، که نمایانگر دقت بیشتر و اجرای عدالت است.

در خصوص ادعاهای مربوط به احکام اعدام برای متخلفان زیر سن ۱۸، ایران به دلایل بشردوستانه و اسلامی در خصوص متخلفان زیر سن ۱۸ سال انعطاف زیادی از خود نشان می‌دهد. آنها در دادگاه‌های ویژه و با توجه به سن آنها و سایر شرایط محاکمه می‌شوند و حداقل مجازات‌ها برای آنها صادر می‌شود. تنها در موارد قتل عمد توسط مجرمینی که به سن

بلوغ رسیده‌اند، اما هنوز زیر سن ۱۸ سال هستند، آنها در دادگاه‌های کیفری استانی با حضور پنج قاضی محاکمه می‌شوند. طبق قوانین ما، مجازات قتل عمد قصاص است. عملکرد قوه قضاییه در موارد مربوط به قتل عمد تنها اثبات قصد قبلی است. اجرای مجازات اعدام حق خانواده بلافصل [قربانی] است که تقاضای اعدام کنند. طبق عرف جاری، حتی پس از قطعیت حکم و تایید دیوانعالی کشور، تلاش‌های گسترده‌ای توسط کمیسیون عفو برای اخذ بخشش از بازماندگان قربانی و تبدیل مجازات اعدام به مجازات دیگری صورت می‌گیرد. در سال‌های اخیر بسیاری از مجازات قصاص رهایی یافته‌اند.

سیاست اصولی جمهوری اسلامی ایران در برخورد با چنین پرونده‌هایی تشویق به آشتی است - حتی اگر در این راستا لازم باشد تا به مجرم کمک‌های مالی ارائه شود تا بتواند مبلغ دیه را پرداخت کند. قومقضاییه در حال حاضر یک کارگروه ایجاد کرده است تا کمک کند از مجازات‌هایی که حیات متخلفین را از آنها سلب می‌کند جلوگیری کند. این کارگروه وابسته به کمیته اجرایی حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان دادستانی کل استان تهران است. هدف این کمیسیون ترویج آشتی و جلوگیری از اجرای احکام قصاص است. اعضای این کمیته عبارتند از: نماینده مرجع ملی حقوق کودک، روانپزشک وابسته به مرکز توانبخشی جوانان، مددکار اجتماعی وابسته به مرکز توانبخشی جوانان، مدیر مرکز توانبخشی، وکیلی با تجربه در امور کودکان و نوجوانان، دبیر کمیته اجرایی حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان (دادگستری تهران)، و مامور کمک‌های اهدایی مالی. این کمیته همچنین کارمندان داوطلبی مانند هنرمندان، نمایندگان سازمان‌های غیردولتی، کارشناسان کودک و اهداکنندگان خواهد داشت. کارگروه به روش زیر عمل خواهد کرد:

- آنها توسط دفتر دادستانی، دادگاه، رییس مرکز اصلاح و تربیت استان تهران و یا نیروی انتظامی از ورود نوجوانانی که متهم به جرایمی که مجازات اعدام دارند به سیستم مطلع می‌شوند.
- وضعیت روانی فرد متهم را توسط یک مددکار اجتماعی و روانشناس بررسی می‌کنند.
- بازدید خانگی توسط یک مددکار اجتماعی.
- وکیل با متهم و اولیاء دم ملاقات می‌کند.
- وکیل با قضاتی که پرونده را بررسی می‌کنند ملاقات می‌کند.
- گزارش جلسه کار گروه.
- تصمیم‌گیری در مورد گام‌های بعدی در جلسه کمیته.
- در صورت لزوم، دعوت افراد پرنفوذ برای کمک به تلاش برای آشتی.
- دعوت اولیاء دم و برگزار کردن جلسات میان اعضاء گروه و قاضی.

طبق مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی، دادگاه به عنوان یکی از پنج اقدام قید شده در این مواد، مجازات‌های (کمتر از اعدام) برای افرادی که در زمان ارتکاب جرم بین سنین ۹ تا ۱۵ سال داشتند را در نظر می‌گیرد، و در عمل مجازات تبدیل به توانبخشی می‌شود.

طبق ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی، مجازات برای افراد بین ۱۵ تا ۱۸ سال ماهیتی سبک‌تر و کمتر از مجازات اعدام دارد. این افراد به موسسات تادیبی فرستاده می‌شوند یا محکوم به پرداخت جریمه نقدی می‌شوند. طبق ماده ۹۱ قانون مجازات، در جرایمی که مستحق حدود و قصاص هستند، "هرگاه افراد بالغ کمتر از هیجده سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد با توجه به سن آنها به مجازات‌های پیش بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند." این‌ها تحولات جدیدی در سیستم قضایی ایران به منظور اعمال حداکثر ملایمت و عدالت برای مجرمین زیر ۱۸ سال سن هستند.

بند ۹:

آمار بین‌المللی نشان می‌دهد که تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران و عزم قوه قضاییه و نیروی انتظامی (پلیس) در مبارزه با قاچاق موادمخدر به شدت چنین جرایمی را کنترل و محدود کرده‌اند. ظرف ۱۴ سال اخیر، ممنوعیت مجازات جدی، از جمله اعدام تولیدکنندگان و قاچاقچیان (پس از ورود نیروهای غربی) در کشورهای همسایه مرزهای شرقی ایران به افزایش ۳۳۳ درصدی تولید مواد مخدر (از ۱۸۰۰ تن در سال ۲۰۰۱ به ۶۰۰۰ تن در سال ۲۰۱۴) منجر شده‌است. و همچنین به افزایش ناگهانی و غیرانسانی جنایات مربوط به مواد مخدر شده‌است.

علاوه بر این، کشورهایایی که تجارت مواد مخدر را به عنوان تهدیدی جدی به امنیت و رفاه اجتماعی خود می‌دانند، مجازات اعدام را مورد بررسی قرار می‌دهند. جمهوری اسلامی ایران بارها آمادگی خود را برای شرکت در تلاش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای ریشه کن کردن تولید و قاچاق مواد مخدر اعلام کرده است. در این رابطه UNODC مکرراً از اقدامات ایران در مبارزه با مواد مخدر تقدیر کرده و برنامه‌های کشوری مختلفی را اجرا کرده است. برنامه‌های جدید کشوری برای سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ در حال نهایی شدن هستند.

علاوه بر این، جمهوری اسلامی ایران برای توضیح مواضع خویش در مبارزه با مواد مخدر و برای دسترسی به پیشرفته‌ترین تجربیات ممکن این موضوع را در دستور کار گفتگوهای

حقوق بشری دوجانبه و همکاری‌اش با سایر کشورها قرار داده است. این شامل ارائه یک طرح جامع برای همکاری‌های منطقه‌ای (همکاری چند بعدی در مسایل فرهنگی، اقتصادی و فنی) با چند کشور اروپایی است که علیرغم مذاکرات طولانی بعضی از آنها هیچ جدیتی در این زمینه از خود نشان نداده‌اند. علاوه بر این، در جلسه آخر خود با گزارشگر ویژه، ایران پیشنهاد کرد که گفتگو و همکاری در این خصوص در جلسه بعدی با وی گنجانده شود.

تمرکز بیش از حد بر ادعاهای استفاده از مجازات اعدام در ایران در بند ۶ پیش‌نویس گزارش، توسل به آمار تخمینی در عین نادیده گرفتن دلایل، تهدیدات و وضعیت خاص کشور به ویژه با توجه به افزایش خیره کننده تولید مواد مخدر در کشورهای همسایه مرزهای شرقی ایران اعتبار پیش‌نویس را تضعیف می‌کند. بنابر آمار موجود، در سال ۲۰۱۴ اعدام‌های مربوط به مواد مخدر بیش از ۸۰ درصد همه اعدام‌ها در ایران را تشکیل می‌دهند.

با توجه به قانونی بودن مجازات اعدام در ایران، و رعایت تشریفات قانونی و محاکمات عادلانه در دادگاه‌ها، از نهادهای بین‌المللی شکایتی در خصوص اعدام‌های مربوط به مواد مخدر دریافت نشده است. بنابر این، این ادعا یک اتهام بی‌اساس است. علاوه بر این، ادعاهای مربوط به اعدام‌ها و اسامی محکومان گزارش نشده رد می‌شود. ایران از گزارشگران ویژه، به خصوص گزارشگر ویژه ایران در خصوص آن ادعاها درخواست اطلاعات تکمیلی کرده، اما هنوز هیچ پاسخی دریافت نکرده است. بنابر این ثابت شده است که این ادعاها بی‌اساس هستند. علاوه بر این، با توجه به تعداد بالا و تراکم جمعیت (بیش از ۱۵ میلیون نفر) در دو استان تهران و البرز، احتمال آمار بالای اعدام در زندان‌های یادشده در مقایسه با سایر زندان‌ها، به نظر موجه می‌رسد. اگرچه خاطر نشان می‌شود که همه زندان‌های کشور تحت روش‌های مشابه طبق آیین نامه اجرایی سازمان زندانها اداره می‌شوند.

بند ۱۰:

در این بند ادعا می‌شود که شرح افراد اعدام شده طی سال گذشته و هفت ماه اول سال ۲۰۱۵ توسط سازمان‌های غیردولتی به صورت جداگانه ارائه شده است، اما با مراجعه به پانوشت ۱۲، می‌توان دید که بیشتر آمارها از منابع غیررسمی نقل شده و نیازمند تایید هستند. سازمان‌های غیردولتی اسامی افراد متفاوتی را روی فهرست افراد اعدام شده قرار داده‌اند و این تناقضات نشان می‌دهد که این ادعاها معتبر و صحیح نیستند. بعلاوه، گزارشگر ویژه بر این گزارشات که هنوز اثبات نشده‌اند اتکاء می‌کند که این به طور جدی اعتبار گزارش را تضعیف می‌کند که باید متن نهایی آن اصلاح شود.

بند ۱۱:

لازم است در نظر گرفته شود که بیش از سه دهه است که ایران نگرانی خود در خصوص خطر افزایش شدید تولید و قاچاق مواد مخدر ناشی از همسایگان شرقی را ابراز کرده است. متأسفانه نیاز به طراحی مجموعه‌ای از اقدامات بین‌المللی برای کنترل و ریشه‌کن کردن این پدیده خطرناک در منطقه هنوز توسط سازمان‌های بین‌المللی و کشورهایایی که ادعای دفاع از حقوق بشر دارند نادیده گرفته می‌شود. این کشورها به جای ارائه کمک واقعی برای تحقق اقدامات فوق‌خود را به ابراز نگرانی در خصوص آمار تخیلی مرتبط با اعدام متخلفان جرایم مربوط به مواد مخدر محدود می‌کنند. باید خاطر نشان کرد که جمهوری اسلامی ایران بالاترین نرخ سرانه ضبط مواد مخدر در جهان را داراست و بایستی در نظر گرفت که چون ایران به صورت جدی با این جرم از جنبه‌های مختلف مانند اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و عملیاتی مقابله کرده است، توانسته است عواقب افزایش کنترل نشده قاچاق مواد مخدر به کشورهای مقصد در غرب را به طور جدی کاهش دهد.

بند ۱۲:

ادبیات مورد استفاده در این بند از پیش‌نویس به قدری مبهم است که روشن نیست که آیا گزارشگر قصد داشته از اقدامات قانونی ایران برای مبارزه با مواد مخدر قدردانی کند و یا می‌خواسته از آنها انتقاد کند. به نظر می‌آید که فقدان توجه به ریشه‌های عمیق سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی گسترش تولید و قاچاق مواد مخدر و غفلت از تعهدات بین‌المللی در مبارزه با مواد مخدر و محافظت از مردم این منطقه دنیا به تفسیر نادرستی از موضوع می‌انجامد. جمهوری اسلامی ایران از هر مشورت متقابلی برای کمک به ریشه‌کن کردن قاچاق مواد مخدر و مبارزه با اثرات آن (اعتیاد)، به ویژه احتمال گسترش بیماری ایدز، استقبال می‌کند و گزارشگر را به فهرستی از اقدامات دولت برای جلوگیری از گسترش بیماری ایدز به ویژه در زندان‌ها ارجاع می‌دهد.

بندهای ۱۳ و ۱۴:

همانگونه که در بند مرتبط پیشین ذکر شد، قوانین ایران بر امکان درخواست تجدید نظر از احکام دادگاه‌ها در خصوص مجازات اعدام تأکید می‌کنند و همچنین راه ممکن برای درخواست عفو برای محکومان را توضیح می‌دهند که در عمل استفاده از مجازات مذکور را کاهش می‌دهد. همانطور که در بند ۱۴ پیش‌نویس ذکر شده، چندین واحد تحقیقاتی، شامل دولتی و غیردولتی، در حال گفتگو و بحث در مورد پیدا کردن راه‌های تازه و موثرتر برای ریشه‌کن کردن، کنترل و اداره پدیده گسترده و ویرانگر تولید و قاچاق مواد مخدر در سطح منطقه هستند.

بندهای ۱۵ و ۱۶:

احکام دادگاه مطابق با مفاد قانون مجازات صادر شده‌اند. واضح است که اجرای قانون در نظام حقوقی هر کشور وظیفه قضات است. شایان ذکر است که بر اساس ماده ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هر نوع شکنجه در کشور ممنوع است و طبق مواد ۵۷۰، ۵۷۸، ۵۷۹ و ۵۸۷ قانون مجازات ایران و ماده ۹ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، متخلفین به مجازات‌های سنگین محکوم خواهند شد. در قانون اسلامی، تنبیه بدنی تعریف روشنی دارد (حدود و قصاص تحت قانون اسلامی تعیین شده‌اند). این تعریف مطلقاً با مفهوم شکنجه سازگار نیست، و به همین دلیل نگرانی‌های گزارشگر ویژه در این زمینه غیر قابل قبول است.

بازدارندگی نسبی مجازات‌ها واضح است و توسط دانشمندان مختلف حقوق و جرم‌شناسی تایید شده است. اگر مجازات‌ها مطلقاً بازدارنده بودند، جرایم ادامه پیدا نمی‌کردند. این سؤال پیش می‌آید که آیا در کشورهای غربی زندانی کردن طولانی مدت به بازدارندگی مطلق از جنایات منتهی شده است؟! با قبول کردن نسبی بودن تاثیر بازدارندگی مجازات‌ها، فقهای اسلامی همچنین تحقیقات جامعی در خصوص مجازات‌های اسلامی موثرتر و انسانی‌تر به جای استفاده بی‌رویه از مجازات زندان انجام داده‌اند که نتایج آن در دسترس است. شایان ذکر است که صدور حکم قطع عضو بسیار نادر است و در صورت صدور، واحد اجرای احکام، و به ویژه کمیسیون عفو، تلاش می‌کنند تا مجازات‌های جایگزینی پیشنهاد کنند.

همچنین، مسئله اسفناک اسید پاشی توسط مقامات به شدت محکوم شده است. این حملات به صورت جدی توسط قوه قضاییه مورد پیگرد قضایی قرار گرفته‌اند. در همین حال، مطابق اطلاعاتی که از مقامات ذیصلاح دریافت شده است، ادعای شلاق زدن به ۴۸۰ نفر کاملاً اشتباه است و باید توجه داشت که تنبیه بدنی قانونی تنها برای سه نفر، به دلیل تظاهر به شکستن آداب اسلامی در ماه مبارک رمضان در مکان‌های عمومی مجاور مساجد جامع، که با اوباش‌گری و ارباب همراه بوده، اعمال شده است.

بند ۱۷:

آزادی بیان و تضمین اجرای آن به روشنی در قانون اساسی و قوانین عادی ایران تصریح شده است. در بند ۱۷، با وجود ارائه آمار و ادعاها، هیچ منبعی برای تایید این ادعاها ارائه نشده است، بنابراین این پارگراف باید به کلی از گزارش نهایی حذف شود. لازم به ذکر است که از میان هزاران نفر فعال مطبوعاتی، تنها تعداد کمی از افراد مرتکب جرایمی شده‌اند که توسط دادگاه‌های ذیصلاح که طبق قانون با حضور هیات منصفه تشکیل شده‌اند، مورد محاکمه قرار گرفته‌اند. اکثر این افراد احکام سبکی دریافت کرده‌اند. با این حال، تعدادی از افراد که از رسانه‌های جمعی برای انتشار اطلاعات نادرست و توهین‌آمیز با هدف تشویش

اذهان عمومی و تحریک نفرت قومی برای تضعیف شئون سایر افراد و همچنین اخلاق عمومی و امنیت ملی سوء استفاده کرده‌اند، توسط دادگاه صالح مورد تحقیق قرار گرفته و روند قضایی پرونده‌های آنها با شفافیت کامل انجام شده است. چنین محدودیت‌های قانونی منطبق بر ماده ۱۹ (۳) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است که اجازه می‌دهد محدودیت‌هایی بر آزادی بیان وضع شود تا از عفت عمومی و منزلت افراد و امنیت ملی محافظت شود.

مسایلی که در خصوص قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران در این بند قید شده، فاقد اعتبار است. از آنجا که اقدامات مجرمانه در زمینه مطبوعات به وضوح قید شده و دادگاه‌ها به آن اقدامات توجه می‌کنند و همانگونه که در بند قبلی اشاره شد، در روند قضایی تنها اقدامات مجرمانه متخلفان در نظر گرفته شده است. از سوی دیگر، بالفوقی قانونی و مدارای سیاسی در کشور زمینه آزادی بسیاری از رسانه‌ها، روزنامه‌نگاران و وبلاگ‌نویسان برای فعالیت‌هایشان در انتشار، به اشتراک گذاری اطلاعات و نقد امور جاری را فراهم کرده است.

بند ۱۸:

طبق اعلام دادگاه انقلاب اسلامی تهران، فرد مذکور، فرزند آقای علیرضا توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران، طبق حکم شماره ۵۰۲ مورخ ۲۹ نوامبر ۲۰۱۱ به اتهامات:

1. دخالت غیر قانونی در امور پزشکی موضوع ماده ۳ از مفاد قانون مربوط به مسائل پزشکی (اصلاحیه مورخ ۲۹ آوریل ۲۰۰۰)، محکوم به لغو مجوز موسسه فرهنگی عرفان کیهانی و پرداخت جریمه نقدی از پنج میلیون تومان (معادل حدود ۱۶۰۰ دلار).
2. انجام علنی یک فعل حرام، طبق ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی، محکوم به ۷۴ ضربه شلاق.
3. توهین به مقدسات، طبق ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی، محکوم به پنج سال زندان.
4. فعالیت‌های غیر مجاز و تولید و توزیع آثار سمعی بصری تحت ماده ۲ قانون مجازات برای افرادی که فعالیت‌های غیرقانونی سمعی بصری انجام می‌دهند، محکوم به پرداخت جریمه ۱۰ میلیون تومان (معادل ۳۰۰۰ دلار).
5. اکتساب ثروت غیرمجاز، طبق ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری و ...، محکوم به پرداخت جریمه نقدی به مبلغ ۸۹۰ میلیون تومان (در حدود ۳۰۰۰۰۰ دلار)

6. استقاده غیرمجاز از عناوین علمی تحت ماده واحده استقاده از عناوین علمی موضوع ماده ۵۵۶ قانون مجازات، محکوم به پرداخت جریمه به مبلغ ۶۰۰ هزار تومان (در حدود ۲۰۰ دلار).

حکم پس از شنیدن دفاعیات وی و وکلای وی آقای میکایل قنبری و آقای بهزاد کاظمی و خانم شادی رصدی، پس از انجام کلیه اقدامات قانونی صادر شد. درخواست تجدید نظر توسط متهم و وکلای وی توسط شعبه ۵۴ دادگاه تجدید نظر استان تهران تحت بررسی قرار گرفت و دادگاه رای بدوی را تایید کرد و در همین حال تقاضای تجدید نظر را طبق حکم شماره ۳۰۱ مورخ ۲۲ آوریل ۲۰۱۲، مطابق بند الف ماده ۲۵۷ آیین دادرسی کیفری رد کرد.

همانگونه که مشهود است او مجوز یک موسسه فرهنگی را از طریق انجام اقدامات پزشکی مورد سوءاستفاده قرار داده و مرتکب تخلف‌های فوق‌الذکر شده که با آنها بر اساس قانون برخورد شد. تحقیقات در مورد اتهامات وی در خصوص ایجاد فرقه منحرفی که باعث ایجاد آسیب‌های عمیق اجتماعی، بهداشتی، روانی، فردی و خانوادگی شده، تکمیل شده است. اخیراً یک دادگاه بدوی حکمی علیه او صادر کرده است که قابل درخواست تجدید نظر است.

آتنا فرقدانی: طبق اعلام دادگستری استان تهران، آتنا فرقدانی، فرزند محمد تقی با اتهامات ذیل مورد پیگرد قضایی قرار گرفت: ۱. تجمع و تبنانی جهت ارتکاب جرم علیه امنیت کشور؛ ۲. تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران؛ ۳. توهین به رهبری؛ ۴. توهین به رییس جمهور؛ ۵. توهین به نمایندگان مجلس؛ ۶. نگهداری سی‌دی‌های غیراخلاقی؛ ۷. توهین به ماموران اجرای قانون طی بازجویی.

پس از استماع دفاعیات وکیل مدافع او و طی تمام مراحل قانونی، و طبق مواد ۵۰۰، ۵۱۴، ۶۰۹، و ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی ماده ۱۳۴ همین قانون، بر اساس حکم صادره در مورخ ۲۳ آوریل ۲۰۱۵، او به زندان (۷ سال و ۶ ماه به اتهام شماره ۱، ۱۸ ماه برای اتهام شماره ۲، ۳ سال برای اتهام شماره ۳ و برای اتهامات شماره ۴ و ۵ که هر دو تحت ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی مورد مجازات قرار می‌گیرند به ۹ ماه زندان) محکوم شد. او برای اتهام شماره ۶ محکوم به پرداخت هفت و نیم میلیون ریال جریمه نقدی شد. لازم به ذکر است که جرایم مختلف وی هیچ ارتباطی به فعالیت‌های سالم و قانونی اجتماعی نداشته و حکم فوق‌الذکر بر اساس قوانین صادر شده و بدوی است و در محدوده قانونی می‌تواند مورد تجدیدنظر قرار بگیرد. علاوه براین، در حال حاضر او با قید وثیقه آزاد است.

بند ۱۹:

طبق اعلام دادگستری استان تهران، خانم آتنا دائمی خوشنودهانی، فرزند محمد حسین به اتهامات ذیل تحت پیگرد قضایی قرار گرفت: تجمع و تباہی به جهت ارتکاب جرم علیه امنیت ملی، محکومیت به هفت سال زندان؛ توهین به رهبری، محکومیت به سه سال زندان؛ و پنهان کردن شواهد جرم به چهار سال زندان شامل دوره‌های بازداشت قبلی. لازم به ذکر است که حکم صادره بدوی است و هنوز قطعی نیست. لازم به ذکر است که تخلفات متعدد وی هیچ ارتباطی با فعالیت سالم و قانونی اجتماعی نداشته و حکم فوق الذکر بر اساس قانون صادر شده و بدوی است و می‌تواند در مهلت قانونی در دادگاه تجدید نظر استان تهران مورد تجدید نظر قرار بگیرد.

بند ۲۰:

نظرات افراد و گروه‌ها در خصوص مسایل جاری کشور همچنان آزادانه منتشر می‌شود و ادعاهایی که در این بند گنجانده شده‌اند ابهامات بسیاری دارند که باید مورد تایید قرار بگیرند. با توجه به اطلاعات دریافت شده، سردبیر مرکز رسانه‌ای انتشارات قوه قضاییه اخراج نشده و هنوز مشغول به کار است و اجتناب از عقد قرارداد با وی به عنوان سردبیر خدمات حقوقی میزان به این موضوع بی‌ربط است. علاوه بر این، جماران نیوز و بهارنیوز فیلتر نشده‌اند و همچنان مشغول به کار هستند.

بند ۲۱:

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران کار خود را در سال ۱۳۷۶ آغاز کرد. بسته شدن آن در زمانی اتفاق افتاد که طی دو سال متوالی، مجمع عمومی آن نتوانست حد نصاب لازم برای انتخاب اعضای هیئت مدیره‌اش را به دست آورد. بنابراین، طبق اساسنامه‌اش منحل شد. نتیجتاً انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران در حالی که به این تصمیم (انحلال) معترض بود، به دادگاه عدالت اداری شکایت کرد. دادگاه شکایت انجمن را رد کرد و تصمیم وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای انحلال انجمن را تایید کرد. وقتی که دولت روحانی به قدرت رسید، و پس از وعده‌های رییس جمهور، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تلاش کرد مشکل را از طریق رضایت و تفاهم طرفین حل کند. اما قوه قضاییه دیدگاه قانونی خود را اعلام کرد که از آنجا که انحلال انجمن پس از طی تمام مراحل قانونی صورت گرفته است، بنابراین، امکان بازگشایی آن وجود ندارد. با این تصمیم قوه قضاییه، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای حل کردن مسئله به اعضای انجمن پیشنهاد داد تا انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران را از طریق تاسیس انجمن‌های استانی تاسیس کنند. در حال حاضر، تلاش می‌شود تا بتوان این انجمن فرهنگی کشور را دارای وضعیت یک تشکیلات صنفی کرد. با توجه به تلاش‌های فوق این بند باید حذف شود. به علاوه، تحقیقات نشان می‌دهد که

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران آزاد ایران که در قسمت بعدی این بند ذکر شده است، همان انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران است و ظاهراً تکرار همان ادعاست.

بند ۲۲:

تعداد زیادی از نخبگان دانشگاهی شرکت‌های خصوصی در زمینه فن‌آوری اطلاعات تاسیس کرده‌اند که برخی از آنها با پروژه‌های ملی همکاری می‌کنند. رونمایی از این پروژه‌ها توسط وزارت ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات با هدف نمایش حمایت دولت از بخش خصوصی و به ویژه بخش‌های مرتبط به فن‌آوری پیشرفته صورت می‌گیرد. جمهوری اسلامی ایران متعهد به احترام به حریم خصوصی افراد و حفاظت از آنها در فضای دیجیتال است. با توجه به ساختار مستقل و غیر دولتی شرکت‌های ارائه‌کننده خدمات، و تعهد آنها نسبت به پیروی از قوانین کشور که هرگونه استراق سمع و نشت غیرقانونی اطلاعات در فضای الکترونیک را ممنوع می‌کند، ادعای بازتولید برنامه‌های کاربردی اینترنتی برای دسترسی کامل مقامات دولتی به کلیه مطالب ارسال شده (از طریق موتورهای جستجوگر یا خدمات پیام‌رسان برای تلفن‌های همراه) فاقد اعتبار است. شکایت‌کنندگان می‌توانند شواهد خود را برای تحقیقات بیشتر ارائه کنند.

بند ۲۳:

تلاش برای به دست آوردن حقوق اتحادیه از طریق تظاهرات انجمن‌های صنفی از حقوق اساسی شناخته شده ذکر شده در اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. همچنین قانونگذار به این مسئله به صورت تلویحی در مواد ۱۴۲ و ۱۴۳ قانون کار جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده است و در برنامه پنجم توسعه کشور نیز در بند هـ ماده ۷۳، بر "تقویت تشکل‌های کارگری و کارفرمایی متضمن حق قانونی اعتراض صنفی برای این تشکل‌ها" تاکید شده است.

به منظور اجرای اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور تامین امنیت تجمعات صنفی و هدایت آن در چارچوب قانون و همچنین به منظور کسب اطمینان از حقوق اتحادیه‌های صنفی، دولت "مقررات مدیریت و سازماندهی اعتراضات اتحادیه‌های کارگری" را در سال ۲۰۱۱ تدوین و تصویب کرده است که به سازمان بین‌المللی کار ارسال شده است.

بندهای ۲۴ و ۲۵:

در ارتباط با اشخاصی که در بندهای ۲۴ و ۲۵ پیش‌نویس به آنها اشاره شده، اطلاعات مختصری به شرح زیر ارائه می‌شود:

بند ۲۴:

محمود صالحی: طبق اعلام دادگاه استان کردستان، آقای محمود صالحی به اتهام تبلیغ علیه نظام و عضویت در گروه‌های غیرقانونی (کمیته هماهنگی گروه‌های مرتبط با گروه تروریستی کومله) دستگیر شده و پرونده وی تا کنون نهایی نشده است.

عثمان اسماعیلی: طبق اعلام دادگاه استان کردستان، آقای عثمان اسماعیلی به اتهام عضویت در گروه تروریست کومله و تبلیغ علیه نظام دستگیر شد. او در حال حاضر به قید وثیقه آزاد است، و پرونده وی در مرحله دادرسی است و تاکنون هنوز نهایی نشده است.

رضا امجدی: طبق اعلام دادگاه استان کردستان، آقای رضا امجدی به اتهام همکاری با گروه تروریستی کومله محاکمه شد و به ۹۱ روز زندان محکوم شد. وی از اتهام تبلیغ علیه نظام به نفع گروه تروریستی مذکور تبرئه شد. وی در تاریخ ۲۴ ژوئن ۲۰۱۵ زندانی شد و دوره زندان وی در تاریخ ۷ سپتامبر ۲۰۱۵ به پایان می‌رسد.

فرزاد مرادیان (مرادی‌نیا): طبق اعلام دادگاه استان کردستان، آقای فرزاد مرادیان توسط دادگاه سنندج محاکمه شد و به اتهام عضویت در گروه تروریستی کومله به یک سال زندان و به اتهام تبلیغ علیه نظام به نفع این گروه تروریستی از طریق توزیع جزوات به دو سال زندان محکوم شد. بنابراین، طبق بند ۳ ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، شدیدترین مجازات برای وی در نظر گرفته شد و پس از تایید حکم توسط دادگاه تجدید نظر استان، او در تاریخ ۲۵ ژوئیه ۲۰۱۵ به زندان تحویل داده شد و دوره زندان وی در تاریخ ۱۷ ژوئن ۲۰۱۷ به پایان خواهد رسید.

همانگونه که در این ۴ پرونده مشهود است، همکاری با یا عضویت در گروه‌های تروریستی دلایل دستگیری و پیگرد قضایی آنها بوده و به فعالیت‌های آنان که در پیش نویس ذکر شده است (فعالیت در زمینه قانون کار) نامربوط بوده است.

اسماعیل عبدی: طبق اعلام دادگاه استان تهران، در تاریخ ۲۲ اوت ۲۰۱۵، پرونده و کیفرخواست آقای اسماعیل عبدی به اتهام تجمع و تبانی از طریق ارتکاب جرم علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام به دادگاه ارسال شد.

واضح است که برگزاری هر نوع تجمع نیاز به مجوز قبلی از نهادهای ذیربط دارد. طبق آمار رسمی دهها تجمع مسالمت‌آمیز در محل‌های کار یا فضاهاى عمومی برگزار می‌شود.

بنابراین، اعتراضات و گردهمایی‌های قانونی به عنوان اقدام علیه امنیت ملی در نظر گرفته نمی‌شوند.

بند ۲۵:

سعید شیرزاد: اولاً، او با کیفرخواست به اتهام تجمع و تبنانی از طریق ارتکاب جرم علیه امنیت ملی و اخلال در نظم عمومی به دادگاه معرفی شد. ثانیاً، وی حق دسترسی به وکیل دارد و اگر وکیلی را معرفی کند پذیرفته خواهد شد. وی در حال حاضر در زندان اوین است. بنابراین ادعاهای مذکور درباره او نادرست هستند و رد می‌شوند.

رضا شهابی: طبق اعلام دادگستری استان تهران، او توسط دادگاه محاکمه شد و به دو اتهام ۱. تجمع و تبنانی از طریق ارتکاب جرم علیه امنیت ملی به واسطه ارتباط با سازمان تروریستی مجاهدین خلق، و ۲. تبلیغ علیه جمهوری اسلامی ایران مورد پیگرد قضایی قرار گرفت. پس از استماع دفاعیات وی و وکیل مدافع وی آقای مسعود شفیعی، و طی کلیه مراحل قانونی، حکم شماره ۹۱/۲۴۸۳ مورخ ۱۰ آوریل ۲۰۱۲ مطابق مواد ۵۰۰ و ۶۱۰ و در انطباق با ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی صادر شد. او به پنج سال زندان برای اتهام شماره ۱ و یک سال زندان برای اتهام شماره ۲، شامل دوره‌های بازداشت قبلی و همچنین استرداد ۷۰ میلیون ریال (در حدود ۲۰۰۰ دلار) که در نتیجه این جرم حاصل کرده بود به خزانه دولت محکوم شد. حکم صادره پس از اعتراض فرد محکوم شده و وکیل مدافع وی توسط شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان مورد بررسی قرار گرفت. دادگاه حکم صادره شماره ۴۲۹ مورخ ۱۳ ژوئن ۲۰۱۲ را مطابق بند الف ماده ۲۵۷ قانون آئین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی مورد تایید قرار داد. لازم به ذکر است که وی بخش‌هایی از حکم خود را سپری کرده و در حال حاضر مدتی طولانی است که در مرخصی به سر می‌برد.

شاهرخ زمانی: طبق اعلام دادگستری استان آذربایجان شرقی، او به اتهام مشارکت در ایجاد گروه‌های غیرقانونی و تبلیغ علیه نظام پس از طی کلیه مراحل قانونی و استماع دفاعیات وی و وکیلش آقای بیوک پورفریدی، توسط دادگاه تبریز مورد محاکمه قرار گرفت. طبق حکم شماره ۸۶۳ مورخ ۲۸ اوت ۲۰۱۱ که علیه وی صادر شد، وی به ده سال زندان برای جرم اول و یک سال زندان برای جرم دوم محکوم شد. حکم صادره از طریق حکم شماره ۸۴۲ مورخ ۱۰ نوامبر ۲۰۱۱ تایید شد. همانگونه که مشهود است، جرایم وی به فعالیت‌های کارگری وی نامربوط بوده و این مورد باید از گزارش نهایی حذف شود.

رسول بدافی: طبق اعلام دادگستری استان تهران، وی به اتهام تجمع و تبنانی با هدف ارتکاب جرم علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه جمهوری اسلامی ایران مورد محاکمه قرار گرفت. پس از

استماع دفاعیات وی و طی کلیه مراحل قانونی، حکم شماره ۸۹ / ۱۳۷۷ / ۱۵ مورخ ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۰ بر اساس مواد ۶۱۰ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی صادر شد. طبق این حکم، او به پنج سال زندان برای اتهام اولش و به یک سال زندان برای اتهام دومش، شامل دوره‌های پیشین بازداشتش، محکوم شد. حکم صادره پس از اینکه متهم و وکیل وی آقای مسعود شفیعی تقاضای تجدیدنظر دادند توسط شعبه ۵۴ دادگاه تجدید نظر تهران بررسی شد و طبق رای شماره ۱۰۱۰ به تاریخ ۵ ژانویه ۲۰۱۱، بر اساس بند الف ماده ۲۵۷ دادگاه‌های عمومی آئین دادرسی کیفری درخواست تجدید نظر رد شد و رای صادره تایید شد.

بهنام ابراهیمزاده: طبق اعلام دادگستری استان تهران، وی توسط دادگاه تهران به اتهامات ۱. تجمع و تباہی با هدف ارتکاب جرایم علیه امنیت ملی، ۲. تبلیغ علیه جمهوری اسلامی ایران و ۳. اخلال در نظم عمومی محاکمه شد. پس از استماع دفاعیات وی و وکیلش خانم منیژه محمدی، حکم شماره ۶۲ مورخ ۲ ژوئیه ۲۰۱۱ صادر شد که توسط آن وی به پنج سال زندان محکوم شد. پس از اینکه متهم و وکیلش تقاضای تجدید نظر دادند، حکم صادره به شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران ارجاع شد. دادگاه تجدید نظر به دلیل وارد نبودن اعتراضات رای بدوی را با حفظ اصول و تشریفات تایید کرد. طبق حکم شماره ۶۸۸ مورخ ۶ سپتامبر ۲۰۱۱، مبتنی بر بند الف ماده ۲۵۷ قانون دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی، وی در حال حاضر در زندان رجایی شهر است و می‌تواند با اقوام خود ملاقات کند و متناوباً از مرخصی استفاده کرده است.

بندهای ۲۶ و ۲۷:

در آیین سابق دادرسی کیفری، متهم می‌توانست از حق دسترسی به وکیل مدافع برخوردار باشد و وکیل مدافع می‌توانست پس از خاتمه تحقیقات، اطلاعاتی که ممکن بود به کشف حقیقت یا دفاع از متهم کمک کند را به قاضی ارائه کند. در خصوص جرایم علیه امنیت ملی، حضور وکیل منوط به توافق قاضی بود. در قانون جدید مجازات کیفری، قانونگذاران حق داشتن وکیل طی مراحل تحقیقات را برای متهم تصویب کرده‌اند، به صورتی که وقتی متهم تحت نظر باشد، می‌تواند تقاضا کند که یک وکیل حضور داشته باشد و ملاقات با وکیل طی دوره‌ای که تحقیقات در جریان است اجباری است. وکیل حتی اجازه دارد که اظهارات مکتوب خود را پس از ملاقات در پرونده بگنجانند. تنها در صورت ارتکاب جرایم بسیار جدی، تبصره ماده ۴۸ اعلام می‌دارد که ملاقات با وکیل یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن صورت خواهد گرفت. بنابراین، تصویب این قانون گامی بسیار مهم در تحقق حقوق و عدالت برای متهم است. علاوه بر این، طبق اصل ۳۸ قانون اساسی ایران و ماده ۹ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، هرگونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذ شده بدینوسیله اعتبار

شرعی و قانونی نخواهد داشت و کارکنانی که چنین اقداماتی را مرتکب شوند مورد تنبیه قرار خواهند گرفت (ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی). بنابراین، طبق قوانین جاری و نظارت موثر، ادعای شکنجه در هر مرحله از روند قضایی غیرمنتظره است.

بند ۲۸:

اظهار نظر روی یک پیش نویس که هنوز در مرحله پیشنهاد است و هنوز توسط نمایندگان مجلس مورد بررسی قرار نگرفته اقدام مناسبی نیست و بایستی از متن نهایی حذف شود.

بندهای ۲۹ تا ۳۵ و ۳۷ تا ۳۹:

در همه نظام‌های سیاسی و قوانین انتخاباتی، نامزدهایی که وارد پارلمان‌ها می‌شوند باید مطابق قانون از صلاحیت‌هایی برخوردار باشند. در جمهوری اسلامی ایران نیز علاوه بر قانون اساسی، نمایندگان مردم در مجلس قوانین و مقررات اجرایی متناسب با موقعیت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و بومی کشور تعیین کرده‌اند و شورای نگهبان نیز بر اجرای کامل این قوانین نظارت می‌کند.

در برخی کشورها، لیاقت و صلاحیت نامزدها توسط خود احزاب مربوطه بررسی و اعلام می‌شود. در جمهوری اسلامی ایران، با توجه به نقش برجسته‌تر نامزدهای مستقل در مقایسه با نامزدهای احزاب سیاسی، و به منظور ارائه امکان به همه طیف‌های مردم برای مشارکت در مجلس، فرایند احراز صلاحیت و بررسی صلاحیت نامزدها ابتدا توسط هیئت‌های اجرایی انتخابات (مستقر در وزارت کشور) با مشارکت چهار سازمان مرتبط برای حصول اطمینان از عدم سوء پیشینه و برای تطابق مدارک شناسایی، تحصیلی و ... انجام می‌شود و این مراجع باید ظرف ۵ روز براساس قانون با مستندات اثباتی پاسخ دهند. برای برخی نامزدها در این مرحله مسئله رد صلاحیت رخ می‌دهد و معترضان می‌توانند شکایت خود را به شورای استانی ناظر بر انتخابات بفرستند و رد صلاحیت خود را با ارائه مدارک مورد نیاز رد کنند.

شش عضو شورای نگهبان توسط رهبری و شش عضو آن توسط رییس قوه قضاییه نامزد می‌شوند که باید توسط مجلس به تایید برسند. طبق اصل ۹۲ قانون اساسی، آنها به مدت شش سال انتخاب می‌شوند. طبق اصل ۹۹ قانون اساسی، شورای نگهبان مسئول نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان، ریاست جمهوری و مجلس است. در برخی موارد محدود، این شورا قادر به تایید صلاحیت تعدادی از نامزدها به دلایلی که به صورت قانونی مستند و به افراد مربوطه (نامزدها) اعلام خواهد شد، نیست.

متأسفانه، پیش‌نویس گزارش به آمار و نمودارها بدون ذکر منابع آنها اشاره کرده است؛ بنابراین روشن نیست که افراد مذکور توسط کدام بخش از دولت رد صلاحیت شده‌اند. لازم است که این نمودار از گزارش نهایی حذف شود.

لازم به ذکر است که در ایران انتخابات توسط هیئت اجرایی برگزار می‌شود که اعضاء آن امانت مردم هستند و نظارت شورای نگهبان فراتر از قانون نیست. مکانیسم انتخابات در ایران و نظارت بر آن در خصوص حقوق مشارکت مردم در مدیریت عمومی، حق تساوی در برابر قانون و برخورداری از حمایت قانونی با ماده ۲۵ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به طور کامل سازگار است. هیچ نوع تبعیضی در مورد نامزدهایی که مایل به شرکت در این انتخابات هستند صورت نمی‌گیرد.

وجود مجلسی متشکل از همه احزاب، گروه‌های سیاسی و افراد مستقل در چارچوب مفاد قانون اساسی متضمن نشاط سیاسی کشور است. علاوه بر این، جایگاه قدرتمند و مهم مجلس ایران و نظارت جدی آن بر همه امور کشور نشان‌دهنده اهمیت مجلس در نظام سیاسی ایران است. منطبق با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، عملکرد وزارت کشور و شورای نگهبان توانسته متضمن حمایت عمومی از مجلس و استقلال مجلس ظرف سال‌های گذشته باشد. علاوه بر این، حضور تعداد بسیار زیادی از مردم در حوزه‌های رای گیری نشان‌دهنده حمایت مردم از قدرت قانونگذاری ایران و جایگاه مجلس ایران است.

بند ۳۶:

اعضاء مجلس از مصونیت قانونی برای ابراز عقاید و اجرای وظایف خود برخوردار هستند. اگر ابراز نظرشان در ظرفیت شخصی آنها باشد (و نه به عنوان مواضع احزاب سیاسی آنها)، یک نظر از میان ۲۹۰ نماینده مجلس در نظر گرفته می‌شود. نمونه‌های ذکر شده در این بند نیز همان ویژگی‌ها را اثبات می‌کنند. در خصوص "فتنه ۸۸"، نمایندگان فعلی مجلس و همچنین نمایندگان مجلس قبلی آزادانه دیدگاه‌های خود را بیان کردند و با توجه نظام نیز روبرو شدند. خشک شدن دریاچه ارومیه، که در نتیجه ترکیبی از تغییرات آب و هوایی و مدیریت آب اتفاق افتاد، از سوی دولت قبلی مورد توجه واقع شد و به ویژه در دولت رییس جمهور روحانی برنامه‌هایی طراحی شدند و بودجه‌هایی برای احیای آن اختصاص داده شد. این ادعا که برخی نمایندگان از اظهار نظر در خصوص این موضوع که مورد حمایت دولت است می‌ترسند بی‌اساس است و باید از متن گزارش نهایی حذف شود. بسیاری از مسایل مورد اختلاف و مهم توسط نمایندگان مجلس مطرح می‌شوند که نهایتاً به ارتقاء قانونگذاری و مدیریت در کشور منجر شده است.

بندهای ۴۰ و ۴۱:

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، قوه مقننه (مجلس) از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. این نظام فرآیند دقیقی را دنبال می‌کند، که به طور خلاصه به شرح زیر تشریح می‌شود:

در صورت نیاز قانونی، نهادهای کشور موضوع را از طریق ارائه یک لایحه یا پیشنهاد به قوه مقننه اعلام می‌کنند. پس از بررسی تخصصی توسط کمیسیون‌های مربوطه در مجلس، این موضوع در صحن علنی مجلس مطرح می‌شود و اگر نمایندگان مردم به آن رای مثبت بدهند، قانون مصوبه برای تصویب نهایی به شورای نگهبان ارسال می‌شود. وقتی این لایحه با قانون اساسی و قوانین اسلامی منطبق تشخیص داده شود و مورد تایید شورای نگهبان قرار بگیرد، آماده اجراست. آخرین مرحله انتشار قانون در روزنامه رسمی کشور است. انتظار می‌رود که تا زمان تکمیل فرآیند تبدیل یک لایحه به قانون گزارشگر ویژه از اظهار نظر بر اساس تفسیر شخصی خود خودداری کند و ابراز نگرانی‌هایش در خصوص پیش‌نویس برخی لوایح مجلس ناموجه است. به علاوه، قضاوت در خصوص یک پیش‌نویس که هنوز توسط قوه مقننه مورد بررسی قرار نگرفته است درست نیست.

بند ۴۲:

پس از انتخابات تاریخی دهمین دوره ریاست جمهوری ایران در ۱۲ ژوئن ۲۰۰۹، برخی افراد مرتکب فعالیت‌های غیرقانونی مانند درگیری‌های خیابانی در تهران و برخی دیگر از شهرهای کشور شدند که منجر به مجروح شدن و کشته شدن تعدادی از شهروندان و تخریب و سوزاندن اموال عمومی و دولتی شد. بنابراین نیروهای مسئول نظم و امنیت کشور تلاش کردند تا عوامل اصلی مرتبط با اجانب که پشت این حوادث بودند را شناسایی کنند. این نیروها با همکاری با قوه قضاییه توانستند بعضی از افرادی را که مغز متفکر شورش بودند شناسایی کنند. در میان آنهایی که دستگیر شدند، اعضای اصلی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و حزب مشارکت وجود داشتند. پرونده‌های این افراد به دادگاه فرستاده شد و در کیفرخواست خود، دادستان عمومی تهران برای اعضای سازمان‌های مذکور تقاضای مجازات کرد و همچنین درخواست انحلال سازمان مجاهدین و حزب مشارکت را داد. متعاقباً، منطبق بر مواد ۱۶ و ۱۷ قانون فعالیت احزاب، با توجه به عملکرد دو حزب و نقض قوانین کشور از سوی آنها، کمیسیون ماده ۱۰ طبق درخواست دادگاه مجوز فعالیت هر دو حزب را لغو کرد.

علیرغم این واقعیت که مجوز سازمان مجاهدین توسط کمیسیون ماده ۱۰ بر اساس تصمیم شماره ۱۰۱۰/۴۳ مورخ ۱۷ آوریل ۲۰۱۰ لغو شد، سازمان مذکور تصمیم کمیسیون ماده

۱۰ را نادیده گرفت و به فعالیت‌های خود ادامه داد. کلیه فعالیت‌های این سازمان برخلاف قانون اساسی، قوانین عادی و اساسنامه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، و همچنین کمیسیون ماده ۱۰ هستند و نیز باتوجه به فعالیت‌های مجرمانه بسیاری از اعضاء اصلی سازمان مجاهدین برای برهم زدن نظم عمومی و تحریک مردم به شورش و آشوب و اقدام علیه امنیت کشور، دادگاه تهران برخی از اعضای این سازمان را محکوم کرد و طبق مواد ۱۶ و ۱۷ قانون فعالیت احزاب و انجمن‌های سیاسی، دستور به انحلال سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی داد. این حکم بر اساس ماده ۲۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری نهایی است.

با توجه به محتوای پرونده و مواضع مختلف و عملکرد حزب مشارکت در سال ۲۰۰۹ و بهرغم این واقعیت که مجوز این حزب با توجه به تصمیم ۱۰۰۹۷/۴۳ مورخ ۱۷ آوریل ۲۰۱۰ کمیسیون ماده ۱۰ لغو شد، با این حال این حزب تصمیم کمیسیون را نادیده گرفت و به فعالیت‌های خود ادامه داد.

با توجه به اینکه فعالیت‌های این سازمان خلاف قانون اساسی، قوانین عادی و اساسنامه حزب مشارکت بودند و در تقابل با تصمیم شماره ۲۷۰۷ مورخ ۱۵ مه ۲۰۱۰ کمیسیون ماده ۱۰ بودند، و همچنین با توجه به فعالیت‌های مجرمانه بسیاری از اعضاء اصلی حزب مشارکت برای برهم زدن نظم عمومی و تحریک مردم به آشوب و فتنه و اقدام علیه امنیت کشور، دادگاه تهران بعضی از اعضای این حزب را محکوم کرد و طبق مواد ۱۶ و ۱۷ قانون فعالیت احزاب و انجمن‌های سیاسی به انحلال حزب مشارکت رای داد. این حکم طبق ماده ۲۳۲ قانون آیین دادرسی کیفری نهایی است.

با توجه به توضیحات فوق، روشن است که وضعیت سازمان مجاهدین و حزب مشارکت توسط یک دادگاه صالح مورد بررسی قرار گرفته است، بنابراین لازم است که این بند از گزارش نهایی حذف شود. واضح است که این دو سازمان می‌توانند با اعمال تغییرات مورد نیاز قانون فعالیت‌های خود را از سر بگیرند. لازم به ذکر است که این دو سازمان بخش‌های کوچکی از جنبش اصلاحات در کشور را نمایندگی می‌کنند و بخش عمده این جنبش در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری در چارچوب گروه‌ها و احزاب قانونی شرکت کرده و نقش موثری در این زمینه ایفا کرده است.

بندهای ۴۳ و ۴۴:

در قانون اساسی و قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران محدودیتی برای مشارکت زنان در انتخابات چه به عنوان رای دهنده و یا نامزد وجود ندارد. مشارکت زنان در انتخابات موضعی اجتماعی و فرهنگی است و از زمان تاسیس جمهوری اسلامی ایران روندی رو به رشد داشته است. همچنین جمهوری اسلامی ایران تمام تلاش خود را برای بهبود سطح تحصیلی زنان و دختران به عنوان پیش نیاز مشارکت سیاسی آنان به کار گرفته که طبق آمار موجود که توسط موسسات بین‌المللی نیز تایید شده است، منجر به افزایش تعداد زنانی که مشغول به آموزش عالی هستند شده است. در عین حال، سیاست افزایش تعداد فرماندار یا

استاندار، که عالی‌رتبه‌ترین تصمیم‌گیرندگان محلی و نمایندگان دولت هستند، برای افزایش مشارکت سیاسی زنان و برای انتصاب آنها در مقام‌های تصمیم‌گیری دنبال شده است. سرانجام، تاکید شده است که توانمندسازی آموزشی زنان با هدف آموزش زنان متخصص برای حضور در صحنه‌های اجتماعی، شامل مشارکت سیاسی و کسب مقام‌های تصمیم‌گیری، البته از طریق ایجاد توازن بین مسئولیت‌های اجتماعی و خانوادگی دنبال می‌شود.

بند ۴۵:

قبول اکثر توصیه‌های مربوط به مسایل زنان ذکر شده در پیش‌نویس گزارش نشانگر عزم جدی کشور برای ارتقاء حقوق و وضعیت زنان است که باید مورد توجه قرار بگیرد. برای افزایش مشارکت زنان در مقام‌های تصمیم‌گیری، برنامه‌های زیر تحت بررسی و اجرا هستند:

- افزایش آگاهی زنان در مورد اهمیت حقوقشان نسبت به مشارکت سیاسی از طریق آموزش عمومی و رسانه‌ها،
- افزایش برنامه‌های توانمندسازی زنانی که در مقام‌های مدیریتی هستند،
- تخصیص سهمیه خاص برای زنان در مجلس، افزایش تعداد زنان در احزاب سیاسی برای انتخابات مجلس
- افزایش دوره‌های آموزشی مدیریت اجرایی برای زنان و افزایش منابع مالی و ارائه فرصت‌ها برای زنان برای حضور در انتخابات.

بندهای ۴۶ و ۴۷:

لازم به ذکر است که مسئله سهمیه‌بندی دانشگاه‌ها نباید به عنوان محدودیت تحصیلی دیده شود، چون در فقدان سیاست‌های فرهنگی و اقتصادی در این زمینه بین افراد تحصیل کرده و افراد در جستجوی کار در برخی از رشته‌های تحصیلی دانشگاه مشکلات زیاد و شکاف‌هایی وجود خواهد داشت.

یک دلیل دیگر این است که دانشجویان دختر تمایلی به تحصیل در رشته‌هایی مانند مهندسی ندارند و این حقیقتی است که هم در انتخاب رشته و هم در بازار کار بسیار آشکار است. همچنین لازم به ذکر است که سیستم سهمیه‌بندی تنها برای زنان نیست؛ در برخی از رشته‌ها مانند علوم پزشکی، تبعیض مثبت به نفع زنان اعمال می‌شود.

آمارهای موجود نشان می‌دهند که نرخ مشارکت اقتصادی زنان در بازار جمهوری اسلامی ایران ظرف سال‌های اخیر رو به رشد بوده است. این نرخ از ۹/۱ درصد در سال ۱۹۹۹ به ۱۳/۸ درصد در سال ۲۰۱۲ افزایش داشته است. در حال حاضر، در حدود ۱۷ درصد کلیه افراد شاغل زن هستند. همچنین، نرخ مشارکت مردان و زنان نشان می‌دهد که در سال ۱۹۹۹، نرخ مشارکت مردان تقریباً ۶ برابر بیشتر از زنان بود. این نرخ ظرف سال‌های اخیر کاهش یافته و به ۴/۵ برابر رسیده است که نشان‌دهنده پیشرفت است.

برای اجرای قوانین و برنامه‌های مربوط به زنان و خانواده، موارد زیر در برنامه دولت قرار دارند:

- توانمندسازی بیشتر زنان در مشاغل مختلف برای ارتقاء وضعیت شغلی آنها،
- قوانین حمایتی ویژه برای استخدام زنان در بازار کار
- تاسیس نهادهای جامعه مدنی در حمایت از زنان
- حمایت از شرکت‌های تولیدی تعاونی زنان، به ویژه در بخش‌های کشاورزی و صنایع دستی.

بندهای ۴۸ و ۴۹:

مشکل بیکاری پدیده‌ای جهانی است که مردان و زنان را در سراسر دنیا تحت تاثیر قرار داده است، و آمار جهانی نشان می‌دهد بیکاری در میان زنان شیوع بیشتری دارد. علاوه بر این، دوره گذار از اقتصاد سنتی به اقتصاد مدرن باعث افزایش بیکاری در کشورهای در حال توسعه می‌شود. جمهوری اسلامی ایران نیز از این موضوع مستثنی نیست؛ با این حال، به دو نکته در این موضوع باید اشاره شود:

- قوانین ایران مردها را موظف به حمایت مالی از همسر خود و سایر اعضای وابسته در خانواده کرده است و این مسئولیت حتی اگر همسر قادر به تامین مادی خود باشد نیز لغو نمی‌شود. به همین دلیل است که برخلاف بسیاری از کشورها، زنان ایران کمتر به دلیل بیکاری شخصی در معرض خطر فقر قرار می‌گیرند. علاوه بر این، دیدگاه‌های مذهبی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از عدم مسئولیت مالی زنان برای رفاه خانواده باعث شده است که بسیاری از زنان ایرانی به کار کردن نه به عنوان یک ضرورت، بلکه به عنوان یک انتخاب نگاه کنند.
- سال‌ها تحریم و نتایج مستقیم و غیرمستقیم آن اثرات منفی بر بازار کار کشور داشته و حقوق اقتصادی و اجتماعی زنان را به طور جدی نقض کرده است و تحقق این حقوق را بسیار دشوار کرده است. این مسئله همواره توسط نمایندگان جمهوری اسلامی ایران در کلیه تعاملات بین‌المللی در مورد مسایل مربوط به زنان مورد تاکید قرار گرفته و سزاوار توجه بیشتری از جانب گزارشگر ویژه و بسیاری از گزارشگران موضوعی و بویژه گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد حقوق بشر و اقدامات اجباری یک جانبه است.

بندهای ۵۰ و ۵۱:

"امر به معروف و نهی از منکر" به روشنی در اصل ۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ذکر شده است. مسئله امر به معروف و نهی از منکر یک اصل اسلامی است که موضوع آن مسئولیت شهروندان، افکار عمومی و رسانه‌ها نسبت به رعایت اخلاق عمومی در راستای اجرای کامل قوانین است. برای حمایت از افرادی که آمران به معروف هستند، مجلس لایحه‌ای را ارائه کرد که مورد تصویب قرار گرفت. هدف این لایحه افزایش امنیت

شهروندان از طریق حمایت از آمران به معروف است (در جایی که پلیس نمی‌تواند به موقع وارد شود تا از وقوع جرم جلوگیری کند). پس از بحث کامل و اصلاحات مختلف، این لایحه توسط مجلس تصویب شد. براساس این لایحه، مردم عادی که شاهد وقوع یک جرم هستند، تنها مسئولیت تذکر کلامی و اطلاع رسانی به مقامات مربوطه را دارند. این امر منجر به نظم بیشتر و ارتقاء حقوق عمومی در کشور خواهد شد. با آموزش افراد داوطلبی که در کنار نیروهای رسمی فعالیت خواهند کرد، نیروی انتظامی قادر خواهد بود تا وظایف قانونی خود را در اسرع وقت و در مقیاس بزرگتری انجام دهد. لازم به ذکر است که اعتراض کلامی به یک جرم بدون توجه به جنسیت فرد متخلف انجام خواهد شد. با این توضیح، به نظر می‌آید که این بند باید در گزارش نهایی تغییر داده شود.

بند ۵۲:

حضور زنان در استادیوم‌های ورزشی آنقدر به قوانین مربوط نیست که به محیط اجتماعی و فرهنگی مرتبط است. بنابراین، جمهوری اسلامی ایران با آگاهی از رویکرد پیش‌گیرانه خود در مبارزه با خشونت علیه زنان در جستجوی راه‌هایی است که محیط‌های مناسب اجتماعی و فرهنگی را آماده کند و همچنین زیرساخت‌ها و امکانات امنیت زنان و دختران را در چنین محیط‌هایی فراهم کند تا از هر نوع خشونت فیزیکی، روانی، یا کلامی علیه زنان پیشگیری کند. قابل توجه است که در سند شماره A/61/122/Add.1 صفحه ۱۳۴، با عنوان "مطالعات جامع هر شکل خشونت علیه زنان" که توسط دبیرکل سازمان ملل متحد صادر شد، استادیوم‌های ورزشی مکان‌های خطرناکی هستند که در آنها احتمال وقوع خشونت علیه زنان بسیار بالاست، به صورتی که ۴۰ تا ۵۰ درصد زنانی که در یکی از کشورهای توسعه یافته مصاحبه شده بودند اعلام کردند که آنها قربانیان خشونت در استادیوم‌های ورزشی بوده‌اند.

بندهای ۵۳ تا ۵۵:

جمهوری اسلامی ایران قصد جدی نسبت به حذف خشونت علیه زنان دارد و همه اشکال چنین خشونت‌هایی را محکوم می‌کند. ایران تاکید ویژه بر تقویت خانواده دارد و آن را محور امنیت اعضای خانواده، به ویژه زنان و کودکان می‌داند و معتقد است که خشونت خانگی عملکرد خانواده را مختل کرده و با کرامت ذاتی و سلامتی روانی و جسمی اعضای خانواده در تضاد است. لازم به ذکر است که "عسر و حرج" الزاما معنای ارتکاب خشونت جدی علیه زنان را نمی‌دهد. این اصل یک مفهوم نسبی است که براساس وضعیت جسمی و روانی و شان و منزلت زنان تعریف شده است و می‌تواند بسته به تصمیمات دادگاه (قضات) شامل درجات مختلف خشونت باشد. علاوه بر این، ادعاهای ذکر شده در بندهای ۵۴ و ۵۵ شامل نتیجه‌گیری پیش‌نویس در مورد لوایحی است که هنوز روند تصویب را تمام نکرده‌اند بنابراین این ادعاها قابل قبول نیستند.

بندهای ۵۶ و ۵۷:

ناقص‌سازی جنسی یا ختنه دختران در پیشینه مذهبی یا تاریخی ایران وجود ندارد. ممکن است تحت تاثیر فرهنگ‌های مشترک در کشورهای همسایه - شهرهای کوچک در حاشیه مرزها و یا در حومه آنها - چند مورد در نقاط جغرافیایی خاصی رخ داده باشد، حتی این موارد کم نیز از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران مورد قبول نیستند. بنابراین، مواد ۶۶۴، ۷۰۶، ۷۰۷، و ۷۰۸ قانون مجازات اسلامی می‌توانند به عنوان مبنای قانونی شکایت از عاملان این جرم قرار گیرند. تلاش‌هایی برای مطلع ساختن مردم بومی این مناطق از طریق خانه‌های بهداشت و افراد قابل اعتماد و مذهبی محلی در جریان است. مرجع ملی حقوق کودک نیز در خصوص این موضوع حساس است. با توجه به عدم امکان تایید مواردی که در پیش‌نویس ذکر شده است، صحت آمار تحت شک و تردید واقعی است. بدیهی است که تصویب قوانین کیفری لازم علاوه بر فعالیت‌های فرهنگی برای پیشگیری از این پدیده منطبق بر کنوانسیون حقوق کودک خواهد بود.

بندهای ۵۸ و ۵۹:

طبق پرونده نرگس محمدی، از آنجا که مشکل پزشکی خانم محمدی پایان یافت، او طبق قانون برای طی باقیمانده حکم شش سال زندانی که در آوریل ۲۰۱۲ دریافت کرده بود احضار شد. باقی ادعاهای ذکر شده در این بند عاری از واقعیت هستند و لازم است از پیش‌نویس گزارش حذف شوند. همچنین، طبق اظهارات خانم مرتاضی لنگرودی، وی هنوز رای نهایی دادگاه را دریافت نکرده و پرونده وی هنوز در مرحله تجدید نظر است.

بند ۶۰:

در بسیاری از اسناد بین‌المللی مانند منشور زبان مادری، اعلامیه جهانی حقوق زبانی، اعلامیه حقوق افرادی که به اقلیت‌های ملی، قومی، مذهبی یا زبانی تعلق دارند، کنوانسیون حقوق کودک و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به حق دریافت آموزش به زبان مادری اشاره شده است. با این حال، حتی مقاله سال ۲۰۰۳ دیدگاه یونسکو در مورد آموزش و پرورش نیز بر لزوم آموزش زبان‌های مادری توسط دولت‌ها تاکید نکرده و این مقاله تنها شامل توصیه‌هایی برای پیشگیری از انقراض زبان‌هایی که در معرض خطر نابودی قرار دارند بود. با اشاره به آموزش زبان‌های منطقه‌ای و محلی، اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به این موضوع توجه کرده است. به عبارت دیگر، قانون اساسی آموزش زبان‌های منطقه‌ای و محلی را همراه با زبان فارسی در نظر دارد. بنابراین در راه آموزش گروه‌های قومی ایرانی و انتشار مقالاتشان به زبان مادری خود هیچ محدودیت یا موانعی وجود ندارد.

بند ۶۱:

انسجام زبان فارسی با زبان‌های قومی ایران همراه با فرهنگ مشترک هزاران ساله به صورتی بوده است که این زبان را قابل فهم و در دسترس همه ایرانیان قرار داده است. به طور خاص، پس از انقلاب اسلامی و با برنامه‌های گسترده سوادآموزی که به نحو بی‌سابقه‌ای نرخ باسوادی را در سراسر کشور افزایش داد و همینطور گسترش پوشش تلویزیونی و افزایش تعداد مراکز آموزش عالی و افراد تحصیل کرده در کشور، در عمل زبان مشترک ایران اینک برای همه اقشار مردم ایران قابل فهم است. با توجه به تعداد بالای پذیرش و حتی تعداد بالای دانشجویان اهل شهرهای مختلف کشور در کسب رتبه‌های بالا در آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها و مشاغل در هیئت‌های علمی توسط همه اقوام ایرانی، روشن است که ادعاهای ذکر شده در این بند بی‌اعتبار است و باید حذف شود.

پیش‌نویس گزارش نشان می‌دهد که بیش از نیمی از جمعیت باسواد کشور ۵۰ سال یا بیشتر سن دارد که به این معنی است که این افراد توسط سیاست‌های رژیم سابق (قبل از انقلاب) تحت تاثیر قرار گرفته‌اند. در جمهوری اسلامی ایران با صرف بودجه کافی و بهبود دقت اجرای سیاست‌های اتخاذ شده، از هیچ تلاشی برای آموزش و پرورش مردم کوتاهی نشده، به ویژه در مناطقی که اکثر جمعیت آن را اقلیت‌های قومی تشکیل می‌دهند.

بند ۶۲:

متأسفانه پیش‌نویس بدون توجه به توسعه کشور به گزارشی که مطلقاً ادعاها و پیش‌داوری‌های این بند را پشتیبانی نمی‌کند اشاره می‌کند و بنابراین باید از گزارش نهایی حذف شود. قضاوت صحیح بر عملکرد جمهوری اسلامی ایران در خصوص ارتقاء وضعیت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مناطقی که جمعیت کثیری از اقلیت‌های قومی در آن زندگی می‌کنند تنها وقتی ممکن است که شاخص‌هایی مانند فقر، تبعیض، ازدواج زودهنگام دختران، و تحصیلات اجباری ابتدایی با دوره قبل از پیروزی جمهوری اسلامی ایران مقایسه شود. آمارهای بین‌المللی ثابت می‌کند که روند ارتقاء وضعیت اقتصادی، بهداشت و شرایط آموزش و پرورش کشور ظرف دهه‌های اخیر به ویژه در برنامه‌های توسعه سوم و چهارم کشور ارتقاء پیدا کرده است.

بند ۶۳:

اطلاع رسانی در مورد کمبود آموزگاران مقطع ابتدایی منجر به تخصیص بودجه‌های جدید و استخدام افراد واجد شرایط در این زمینه شد. بنابراین، گنجاندن بند ۶۳ در گزارش نهایی غیرموجه است.

بندهای ۶۴ و ۶۵:

پیش از انقلاب اسلامی، استان کردستان در میان محروم‌ترین استان‌های کشور بود و نرخ بی‌سوادی، مرگ و میر کودکان و فقر و فقدان بهداشت در این استان بسیار بالا بود. اولین دهه انقلاب زیر سایه آسیب‌های جنگ تحمیلی و اقدامات تفرقه‌انگیز صدام حسین گذشت. جنبش‌های افراطی قومی و حضور گروه‌های تروریست در چنین وضعیتی مانع هر نوع امکان ارائه خدمات بهداشتی و آموزشی و تامین مالی برای توسعه این استان می‌شد. با پایان جنگ تحمیلی، ظرف ۲۰ سال اخیر چهره این استان به صورت جدی تغییر کرده و همه شاخص‌های توسعه از جمله آموزش و پرورش و بهداشت ارتقاء پیدا کرده‌اند؛ و دانشگاه‌های مختلفی در این استان تاسیس شده‌اند. شایان ذکر است که دولت‌ها تنها می‌توانند خواسته‌هایی که در چارچوب قانون اساسی کشور هستند را تامین کنند. در این راستا، دولت رییس‌جمهور روحانی طبق اصل ۱۵ قانون اساسی ایران برنامه‌های مختلفی را برنامه‌ریزی کرده و آموزش ادبیات ملی و قومی شامل زبان کردی میسر شد. علاوه بر این، از اکتبر ۲۰۱۵ رشته زبان و ادبیات کردی در دانشگاه کردستان آغاز به پذیرش دانشجو کرده است.

بند ۶۶:

طبق ماده ۱۰ قانون مطبوعات ایران، تجدید نظر در انتشار باید توسط هیئت نظارت بر مطبوعات پذیرفته شود. بر همین اساس، تعیین شرایط عمومی و حرفه‌ای متقاضیان به این هیئت هفت نفره واگذار شده است. برخی درخواست‌ها ممکن است به دلایل حرفه‌ای که نباید به جنسیت، قومیت، مذهب و عقاید سیاسی متقاضیان مرتبط شود رد می‌شود. مشاهده فهرستی از مطبوعات ایران (۶۰۰۰ عنوان) که دائماً در نظام جامع رسانه‌ها (e-rasaneh.ir) در حال به‌روزرسانی است، نشان می‌دهد که نشریات مختلفی هستند که متعلق به اقلیت‌های مذهبی، گروه‌های قومی، زنان و منتقدان دولت هستند.

بر اساس معیارهای حرفه‌ای فوق‌الذکر، تقاضای آقای پرویز بهادرزهی برای صدور پروانه یک نشریه رد شد. شایان ذکر است که آقای بهادرزهی در ماه مارس گذشته تقاضای جدیدی برای اداره یک نشریه دیگر به هیئت نظارت بر مطبوعات ارسال کرده است. تقاضای وی در انتظار بررسی است. تقاضای وی در صورت برآورده کردن مقتضیات و مواد قانونی مورد قبول واقع خواهد شد.

بند ۶۷:

همانگونه که در پیش‌نویس گزارش قید شده، با توجه به اینکه همه تلاش‌های بخش‌های مختلف کشور باعث ارتقاء کلی ایران می‌شود، بخش‌های مختلف کشور در حال فعالیت برای ارتقاء

فرهنگ و ادبیات، شامل زبان و ادبیات گروه‌های قومی ایرانی، هستند. یکی از بزرگ‌ترین شعرای معاصر زبان فارسی آقای شه‌ریار اهل تبریز، مرکز استان آذربایجان شرقی است که زبان مادری وی آذری است. لازم است توجه شود که دولت‌ها می‌توانند تقاضاهایی که در قانون اساسی می‌گنجد را قبول کنند. در دیدار استانی اخیر خود، رییس جمهور روحانی از "بنیاد فرهنگ، ادبیات و هنر آذری" رونمایی کرد که توسط اساتید ادبیات مورد استقبال قرار گرفت. عملکرد ۳۶ ساله جمهوری اسلامی ایران به شیوه‌ای است که شامل همه گروه‌های قومی، به ویژه در پایتخت می‌شود و در حالی که همه فرهنگ‌های بومی و قومی و زبان‌ها ترویج می‌شوند، یکپارچگی تاریخی و فرهنگی کشور باید حفظ شود.

با ظهور افراط‌گرایی و گرایش‌های مخربی که از گروه‌های قومی سوء استفاده می‌کنند و از خارج از کشور برنامه‌ریزی می‌شوند با تحمل و هوشیاری برخورد می‌شود. طبق گزارش دادگستری استان اردبیل، آقای اتابک سپهری که مرتکب تبلیغ برای تحریک نفرت‌گرایی افراطی شده بود، در تاریخ ۲۱/۱۱/۹۳ بر اساس تعهد کتبی آزاد شد و متعاقباً دادگاه حکم عدم پیگرد وی را با توجه به اتهام تبلیغ علیه نظام صادر کرد. با اطلاعات داده شده، این بند باید حذف شود.

بند ۶۸:

در جمهوری اسلامی ایران بازداشت افراد صرفاً مطابق قوانین و بدون توجه به قومیت، مذهب یا سایر وابستگی‌ها انجام می‌شود. فردی که در این بند پیش‌نویس به وی اشاره شده است اصلاً بازداشت نشده بوده و بنابراین این ادعا بایستی حذف شود. آقای یونس عساکره یک شهروند عرب زبان اهل خرمشهر است که در خرمشهر یک دکه میوه فروشی فاقد مجوز از شهرداری داشت. وقتی شهرداری خرمشهر از آقای عساکره خواست تا دکه‌اش را تعطیل کند، وی در پاسخ به تقاضای شهرداری خود را به آتش کشید و متعاقباً ۱۰ روز بعد در بیمارستان درگذشت. به دنبال شکایتی که خانواده وی علیه شهرداری اقامه کردند، یک پرونده قضایی تشکیل شد و پس از تحقیقات شهرداری مقصر شناخته نشد و پرونده مختومه شد. لازم به ذکر است که ادعای بازداشت در حدود ۱۰۰۰ نفر که به دفاع از آقای عساکره مبادرت کرده بودند کذب محض است و هیچ منبع مستقلی این خبر را گزارش نکرده است. بنابراین اطلاعاتی که در این بند گنجانده شده بی اساس است و باید حذف شود. مطابق شواهد موجود و تصاویری که در اینترنت منتشر شده، شخص فوق‌الذکر درمان پزشکی کافی دریافت کرده و دلیل مرگ وی شدت جراحات وی بوده است. پس از مرگ وی، مقامات محلی و سازمان‌های غیردولتی خیریه به اقدامات قابل توجهی برای تامین زندگی و مسکن خانواده بلافصل وی دست زدند. علاوه بر این، این نکته که مقامات محلی زیادی در

خرمشهر، شامل شهردار شهر عرب زبان هستند، نشان می‌دهد که قوانین بدون توجه به قومیت فرد متخلف اجرا شدند، بنابراین این بخش باید از گزارش حذف شود.

بند ۶۹:

ادعای دستگیری یک مرد که لباس سنتی عرب به تن داشته خیلی عجیب است؛ چون تعداد قابل توجهی از مردم استان خوزستان عربی صحبت می‌کنند و لباس‌های عربی می‌پوشند. علاوه بر این، اعتراضاتی که توسط فوتبالیست‌ها یا تماشاگران مسابقات در برابر نتیجه بازی اعلام شد غیرعادی نبود که ممکن باشد به بازداشت موقت احتمالی برخی افراد مجرم منجر شود. در خصوص ادعای ادامه بازداشت برخی افراد، اسامی آنها باید برای تحقیقات بیشتر ارائه شود.

بند ۷۰:

طبق اطلاعات دریافتی، هیچکس (چه رسد به کودکان) در زمان قید شده در پیش‌نویس گزارش دستگیر نشده است. گزارش‌های موجود نشان می‌دهند که برخی افراد به اتهام برنامه‌ریزی فعالیت‌های تروریستی دستگیر شده‌اند.

بند ۷۱:

متأسفانه در برخی مناطق خوزستان، تبلیغات افراط‌گرایی و تحریک مردم برای فعالیت‌های خشونت‌آمیز و تروریستی روند رو به افزایشی داشته است که از افراط‌گرایی موجود در کشورهای همسایه الهام می‌گیرد و مورد توجه مقامات محلی قرار گرفته است و برنامه‌های مختلفی برای کنترل آن در حال برنامه‌ریزی است. علاوه بر این، آقای حزباوی (احمد زواری که به نام احمد حزباوی پسر آقای ثابتی شناخته می‌شود) به تحریک به خشونت و حمایت از جنگ در منطقه و تشویق به اختلافات قومی متهم شد. پرونده وی از نظر قانونی مورد بررسی قرار گرفت که با حکمی جزئی (پرداخت مبلغ ۹ میلیون ریال) خاتمه یافت. وی در حال حاضر خارج از زندان به سر می‌برد. با توجه به اطلاعاتی که در خصوص این موضوع ارائه شده، ثابت می‌شود که ادعاهای این بند ناصحیح هستند و بنابراین باید از گزارش نهایی حذف شوند.

بند ۷۲:

طبق گزارش پلیس مهاباد، مورخ ۱۴/۲/۹۴ به شماره ۵۶۵۶۰۶۱۰۹۴۰۰۱۷۷ در خصوص مرگ خانم کبری (فریناز) خسروانی، فرزند محمد، ۲۷ ساله، در نتیجه سقوط از ارتفاع در هتل تارا در مهاباد (در بلوار شورا)، ماموران پلیس به سرعت در صحنه حضور پیدا کردند تا در خصوص این حادثه تحقیق کنند. پس از بررسی دوربین‌های هتل، پلیس کشف کرد که

این زن وارد اتاق ۴۰۳ شده بود که متعلق به آقای سید مرتضی هاشمی‌وند، ۳۹ ساله، فرزند آقای سید کاظم، اهل تبریز، شغل مهندس بود. آقای هاشمی دستگیر شد و اعتراف کرد که با این زن از دو هفته پیش از این حادثه ارتباط داشته است و قصد داشته با وی ازدواج کند و پدر و مادر این دختر از این موضوع (خواستگاری) آگاه بوده‌اند. در روز حادثه در تاریخ ۱۳/۲/۹۴، وی وارد اتاق شد، اما به خاطر پنهان کردن خود از دوربین‌های مداربسته و نیز مدیر هتل، او سعی کرد که از طریق بالکن از اتاق خارج شود. متأسفانه، پس از رد کردن چندین اتاق مجاور، او کنترل خود را از دست داد و از طبقه چهارم ساختمان هتل سقوط کرد که به مرگ وی منجر شد. بلافاصله پس از این حادثه، قاضی کشیک، یک پزشک قانونی و ماموران نیروی انتظامی در صحنه حضور یافتند و پس از معاینه جسد فرد متوفی اعلام کردند که به وی تجاوز جنسی نشده بود و مرگ وی در اثر شکستن جمجمه اتفاق افتاده بود یک پرونده در شعبه اول دفتر دادستانی تشکیل شد و دستورات قضایی لازم برای تحقیقات صادر شد. متعاقباً آقای هاشمی‌وند به اتهام داشتن روابط نامشروع دستگیر شد و به زندان مرکزی مهاباد معرفی شد. او با قرار وثیقه آزاد شد.

در تاریخ پنجشنبه ۱۷/۲/۱۳۹۴ در نتیجه تبلیغات مخرب برخی افراد که تمایلات افراطی قومی داشتند و افراد جوان را از طریق برنامه‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی تحریک کردند، تعداد زیادی از افراد فرصت طلب و برخی مردان جوان در مقابل هتل جمع کرده و به هتل حمله کردند و ساختمان هتل و سه اتوموبیل شخصی را به آتش کشیدند. با توجه به اقدامات غیرقانونی و خسارت‌های وارده، ۶۲ نفر که این حمله را برنامه‌ریزی کرده بودند دستگیر شدند و با حکم بازداشت موقت زندانی شدند (اکثر آنها بعداً با قرار وثیقه آزاد شدند). چهارده نفر و ۵۳ مامور نیروی انتظامی به دلیل درگیری با آشوب‌کنندگان مجروح شدند.

اولاً: تعداد افراد عادی که مجروح شدند ۱۴ نفر بود که ۱۱ نفر از آنها به صورت سرپایی درمان شدند. سه نفر از مجروحین به نام‌های آکام تلاج فرزند جمال، امیر ترک فرزند محمد و فرهاد رحیمی فرزند رحیم در بیمارستان‌هایی در ارومیه، تبریز و مهاباد بستری شدند. متأسفانه آقای آکام تلاج در تاریخ ۸/۴/۱۳۹۴ به دلیل شلیک گلوله در نخاع وی فوت کرد. با توجه به نوع گلوله‌ای که به آقای آکام تلاج شلیک شده بود (یک گلوله از یک تفنگ شکاری از فاصله ۵ متری)، شکی باقی نماند که وی توسط گروه‌های تبهکار و عوامل آشوب‌گشته شده است. (چون چنین اسلحه‌هایی اسلحه‌های سازمانی نیروی انتظامی نیستند و در اختیار پلیس قرار ندارند.) نام آقای تلاج روی فهرست شهدا قرار گرفت و خانواده وی از بنیاد شهید مزایا دریافت خواهند کرد.

ثانیاً: مرگ خانم کبری (فریناز) خسروانی در مهاباد به موقع توسط مقامات محلی و قضایی مورد تحقیقات قرار گرفت. طبق اطلاعات به تایید رسیده، موضوع تجاوز جنسی یا پیشنهاد جنسی رد شده است. آقای هاشمی‌وند دارای شغل دولتی نبوده و با خانواده متوفی در تماس بوده و قصد ازدواج با وی را داشته است.

بند ۷۳:

جایگاه هر کشور در مقابل قبول یا رد توصیه‌های بررسی دوره‌ای جهانی (UPR) جزء حقوق حاکمیت کشورهاست. جمهوری اسلامی ایران تلاش کرد تا کلیه توصیه‌های پذیرفته شده اولین بررسی دوره‌ای جهانی خود را اجرا کند. واضح است که اجرای همه توصیه‌ها نیاز به آمادگی و برنامه‌ریزی دارد؛ بنابراین نیاز به یک دوره زمانی طولانی دارد. جای تعجب است که پیش‌نویس گزارش در خصوص عدم اجرای توصیه‌های اولین یوپی‌آر موضع گرفته است؛ چون اشاره‌ای ناقص و جزئی به گزارش کارگروه یوپی‌آر ایران دارد (که در گزارش کارگروه در مورد ایران نبود). از سوی دیگر، ایران می‌تواند از اولین گزارش ملی خود دفاع کند. بنابراین این بند باید اصلاح شود.

بند ۷۴:

متأسفانه، در این بند ادعاهای نادرستی در مورد مسیحیان در ایران مطرح شده است، که پاسخ به آنها در پاسخ به بند ۷۷ ارائه شده است. پاسخ در خصوص پیش‌دآوری در پیش‌نویس در مورد بهائیان در ایران در پاسخ‌هایی که به بندهای ۷۵ و ۷۶ داده شده است ملحوظ است.

بند ۷۵:

ادعای پیش‌نویس گزارش که تعدادی بهایی در زندان هستند بدون توجه به جرایم آنها و فرآیند بررسی قضایی که طی محاکمات آنها طی شده فاقد اعتبار است. اشاره به "آزار و اذیت" آنها نمایانگر تعصب، قضاوت نادرست و جانبداری گزارشگر است و لازم است در گزارش نهایی تصحیح شود.

در سال ۱۳۸۹، پس از اینکه وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری گزارشی در مورد فعالیت‌های مشکوک و برگزاری کلاس‌های علمی در نقاط مختلف به غیر از دانشگاه‌های رسمی دریافت کرد، وزارتخانه سعی کرد در دادگاهی در تهران اقامه شکایت کند که به آن رسیدگی شد. بررسی‌ها نشان داده‌اند که مدیران موسسه به رغم اطلاع از فعالیت‌های غیرقانونی‌شان بر ادامه فعالیت‌های خود به هر صورتی اصرار داشتند. بررسی اسناد مکشوفه از این موسسه نشان می‌دهد که به صورت غیرقانونی و به صورت موازی با سیستم آموزش عالی کشور تاسیس شده است. با توجه به اینکه بهائیان در دانشگاه‌های دولتی حضور دارند، تاسیس یک موسسه غیرقانونی موجه نبود. این موسسه، تحت پوشش فعالیت‌های آموزشی، به دنبال اهداف سیاسی و اقتصادی یک فرقه غیرقانونی بود. افرادی که در این بند به آنها اشاره شده است به اتهامات عضویت در این فرقه و انجام فعالیت‌های غیرقانونی مورد محاکمه قرار گرفته‌اند. پس از یک محاکمه عادلانه و استماع دفاعیات آنها، هر یک به ۴ سال زندان محکوم شدند و اخیراً پس از تکمیل احکام خود آزاد شدند.

بند ۷۶:

تنها پرونده استان سمنان مربوط به آقای علی خانجانی (نه جمال الدین خانجانی که سابقه فعالیت‌ها و محکومیت به دلیل عضویتش در سازمان غیرقانونی بهایی را دارد) است. علی خانجانی در سال ۲۰۰۰ برای ۲۰۰ متر مربع تقاضای مجوز ساخت کرد. طبق مجوز ساخت

شماره ۵۲۰۰ مورخ ۶ ژانویه ۲۰۰۱، که نسخه اصلی آن در پرونده موجود است، تقاضای وی برای ساخت ۲۰۰ متر مربع مورد تصویب واقع شد. در سال‌های بعدی مشخص شد که او ۴۰۰ متر مربع ساخته و الباقی ۲۰۰ متر مربع اضافی بوده است. طی زمان تحقیقات او یک مجوز ساخت ارائه کرد که در آن به جای ۲۰۰ متر، ساخت ۴۰۰ متر مربع ذکر شده بود. با توجه به تناقض بین مجوزی که او ارائه کرد و مجوز اصلی که در پرونده موجود بود، مقامات صالح به این نتیجه رسیدند که پروانه ساخت وی دستکاری شده است.

متعاقباً، طبق قانون، شکایتی علیه وی به اتهام جعل اقامه شد. با وجود اینکه جعل سند توسط کارشناسان قوه قضاییه تایید شد، اما سهم آقای خانجانی در این جعل مورد تایید قرار نگرفت. بنابراین، یک حکم منع تعقیب برای آقای علی خانجانی صادر شد. از سوی دیگر، کلیه نقشه‌های ساختمانی که توسط آقای خانجانی ارائه شده بودند به دلیل اینکه امضاءهای آنها متعلق به کارشناسان و مقامات اداره فرمانداری نبودند، غیر معتبر بودند.

شایان ذکر است که مدت اعتبار یک مجوز ساخت یک سال است و پس از آن این مجوز هیچگونه اعتباری ندارد و باید تمدید شود. او تقاضایی برای تمدید پروانه ساخت نکرد. از آنجایی که پروانه باطل شد، کمیسیون اصل ۹۹ شهرداری دستور تخریب ۲۰۰ متر را داد که بر اساس عفو اسلامی بود.

با توجه به ادعاهای ذکر شده در این بند، باید خاطر نشان کرد که تخلفات ساخت و ساز در مناطق شهری نباید به دلیل اعتقادات و نگرش‌های متخلفان تطهیر شود. اقدامات انجام شده مطلقاً هیچ ارتباطی با باورهای شخصی مالک نداشته، بنا بر این این بند بایستی از گزارش نهایی حذف شود.

بند ۷۷:

بیش از ۲۵۰ کلیسای فعال، نیمه فعال، و تاریخی در کشور وجود دارد که مشغول رسیدگی به نیازهای اقلیت‌های مذهبی ارامنه و آشوریان (با جمعیت محدودشان) هستند. بنا بر این نیازی به تاسیس کلیساهای جدید تحت نام‌هایی که در پیش‌نویس گزارش ذکر شده نیست. رهبران اقلیت‌های مسیحی در ایران پیشنهاد تاسیس کلیساهای جدید در کشور را نداده‌اند و هیچیک از کلیساهای تاسیس شده مایل به قبول مسئولیت برای این شکل جدید مسیحیت نیستند.

طبق قانون، همه گروه‌ها، انجمن‌ها و سازمان‌های اجتماعی، مذهبی، و سیاسی باید مجوزهای لازم را از مقامات قانونی برای طراحی فعالیت‌های خود دریافت کنند و این در مورد آنچه به نام کلیساهای خانگی موسوم است صدق نمی‌کند؛ بنابراین فعالیت‌های آنان، مانند مورد شاهین شهر، غیرقانونی شناخته می‌شوند.

در مورد آقای تمرز، طبق گزارش دادگستری تهران، او به تشکل و مدیریت غیرقانونی یک انجمن متهم شد. وی به دادگستری احضار شد و پس از بررسی اتهاماتش، به قید وثیقه آزاد شد. هنوز هیچ حکمی برای وی صادر نشده است.

بند ۷۸:

اظهاراتی که در بند ۷۸ پیش‌نویس گزارش گنجانده شده، بر سیاست ایران نسبت به اقلیت‌های مذهبی، و همچنین در مورد انعطافی که توسط دولت نسبت به آنها برای انجام مناسک مذهبی شان نشان می‌دهد تأکید دارند.

بند ۷۹:

مرکز مراقبتی که در این بند به آن اشاره شده است یک خانه سالمندان است که به مدت ۲۰ سال بدون مجوز فعالیت کرده است. سازمان بهزیستی ایران از این مرکز خواست تا مجوز قانونی تهیه کند تا بتواند بر وضعیت ارائه مراقبت از سالمندان طبق موازین موجود نظارت کند. با وجود گذشتن مدت مهلت، مدیران این مرکز آن طور که سازمان بهزیستی از آنها خواسته بود عمل نکردند و بنابراین به آنها دستور داده شد تا مرکز را تعطیل کنند. به دلیل تجربه کاری این مرکز در مراقبت از سالمندان با آن با ملایمت برخورد شد و مرکز برای دوره‌ای که به طور غیرقانونی مشغول فعالیت بود با جریمه نقدی روبرو نشد. بدیهی است که تعطیلی اماکن فاقد مجوز و غیر استاندارد نباید به باورهای مالکان آنها یا کسانی که مشغول اداره آنها هستند نسبت داده شود.

در مورد آقای صالحیان، طبق اطلاعاتی که تاکنون دریافت شده است، حکم شلاق هنوز علیه وی اجرا نشده است. لازم است که این بخش گزارش اصلاح یا حذف شود.

نتیجه‌گیری و توصیه‌ها:

1- در قوانین بسیاری از کشورها، شامل جمهوری اسلامی ایران، برخی از جرایم هستند که ممکن است منجر به مجازات اعدام شوند. هیچ اجماع جهانی در خصوص لغو مجازات اعدام وجود ندارد. مجازات اعدام برای جرایم جدی قانونی است و توسط قوانین بین‌المللی منع نشده است. در قوانین جمهوری اسلامی ایران، احکام مجازات اعدام تنها برای مجرماتی که جرایم بسیار جدی مرتکب شده‌اند، شامل قاچاق مواد مخدر که با اقدامات تروریستی ترکیب شده باشند صادر می‌شود. لازم به ذکر است که طبق اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و همچنین طبق اصول ۵۷۰، ۵۷۸، ۵۸۹، و ۵۸۷ قانون مجازات و ماده ۹ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، شکنجه ممنوع است و اخذ اعترافات تحت شکنجه فاقد اعتبار است. عاملان شکنجه در معرض مجازات‌های سنگین قرار دارند.

2- از آنجا که تعداد قربانیان و افرادی که در اثر جرایم مرتبط با مواد مخدر مجروح می‌شوند بسیار زیاد است و شامل افراد بسیاری می‌شود (نه تنها یک نفر)، این جرایم حائز اهمیت بیشتری از یک قتل عمد هستند. بنابراین، قوانین محلی ایران جرایم مربوط به مواد مخدر را جدی‌ترین جرایم محسوب می‌کنند، و در خصوص قانونی بودن مجازات اعدام و تاثیر آن بر کاهش جرایم، به ویژه نقش آن در پیشگیری از اینکه قاچاق مواد مخدر تبدیل به شغل کم‌خطرتر و سودآورتری بشود، عدم حمایت از توصیه‌های متوقف ساختن مجازات اعدام، تحت شرایط فعلی، با امنیت، رفاه و سلامت مردم ایران همسو است.

3- در قوانین اسلامی تنبیه‌های بدنی تعریف خاصی دارند که با مفهوم شکنجه کاملاً برابر نیستند، بنابراین نگرانی‌های بیان شده توسط گزارشگر ویژه در این خصوص فاقد اعتبار هستند. علاوه بر این در نظام حقوقی اسلام، مطالعات جامعی در خصوص اثربخشی و ماهیت بازدارنده تنبیه‌های اسلامی که باعث کاهش استفاده بیش از حد از مجازات زندان و عواقب متعدد اجتماعی آن می‌شود، انجام شده است.

4- در جمهوری اسلامی ایران، آزادی‌بیان و عقیده، فعالیت‌های رسانه‌ای و آزادی تجمعات مسالمت‌آمیز همیشه مورد محافظت قرار گرفته است. قانون اساسی ایران در اصل ۲۴ خود به وضوح آزادی مطبوعات را در نظر گرفته است و قانون مطبوعات مصوبه سال ۱۹۹۵ با اصلاحات و ضمایم متعاقب خود این آزادی‌ها را تضمین کرده است. قانون اساسی، قانون انتخابات ایران، و آیین‌نامه داخلی مجلس ایران نیز همچنین آزادی‌بیان و مصونیت نمایندگان مجلس را تضمین کرده‌اند. اجرای انتخابات ظرف دهه‌ها با حضور گسترده نامزدها از طیف‌های متفاوت سیاسی و قومی ایران مصداق التزام عملی دولت به رعایت قوانین و تعهدات خود است.

5- در جمهوری اسلامی ایران شهروندان بدون هیچ‌گونه تمایزی مانند نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقیده سیاسی، خاستگاه ملی یا اجتماعی، ثروت، تبار، و یا سایر وضعیت‌ها حق مشارکت در زندگی اجتماعی شامل حق مشارکت در انتخابات در چارچوب محدودیت‌های قانون و مقررات را دارند. شرط صلاحیت برای شرکت در انتخابات تعریف شده و در قانون پیش‌بینی شده است، بنابراین این شرایط برخلاف مواد ۲ و ۲۵ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیست.

6- از زمان تاسیس خود، جمهوری اسلامی ایران به صورت خستگی ناپذیری برای پیش برد مسایل زنان و توسعه حقوق و جایگاه آنان تلاش کرده است. اقدامات گسترده‌ای برای بهبودی بهداشت و تحصیل زنان، مقابله با فقر، ایجاد اشتغال، فراهم کردن امنیت و مبارزه با خشونت علیه آنان انجام شده است. برای ارتقاء و محافظت از حقوق زنان، جمهوری اسلامی ایران ۴۲ توصیه‌ای را که در بررسی دوره‌ای جهانی دومش دریافت کرد پذیرفته است. در این راستا، ایران اهمیت بسیاری برای مبارزه با خشونت علیه زنان در سطوح پیشگیری، محافظت و جبران قائل است. در قوانین جمهوری اسلامی ایران، وارد کردن هر گونه آسیب به شخص دیگر باعث ایجاد مسئولیت کیفری می‌شود و خشونت خانگی نیز از این قاعده مستثنی نیست. با این وجود، به علت اهمیتی که دولت برای مسایل مربوط به زنان قائل می‌شود، پیش‌نویس یک لایحه ویژه در مورد امنیت زنان تهیه شده است. این لایحه به زبان حقوقی همه اشکال خشونت شامل خشونت خانگی و نمونه‌های آن را تعریف می‌کند و اقدامات تنبیهی مناسب برای آنها ارائه می‌کند. تصویب قوانین جدید و اصلاح قوانین فعلی در راستای ارتقاء بیشتر حقوق زنان منطبق بر ارزش‌های ملی و اسلامی به طور جدی در دست بررسی است.

7- همانگونه که در گزارشات قبلی نیز به صورت گسترده اشاره شده است، ایران در تلاش مستمر است تا حقوق همه پیروان ادیان به رسمیت شناخته شده را طبق قانون

محافظت و تضمین کند. علاوه بر مشارکت آنها در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سایر محافظت‌های قانونی، بودجه قابل توجهی صرف وضعیت عمومی و عملکرد مراسم مذهبی و آموزش‌های مذهبی و مرمت اماکن مذهبی آنها شده است.

8- وضعیت مناسب اقلیت‌های مذهبی و گروه‌های قومی به رسمیت شناخته شده، موقعیت‌های بالای سیاسی-اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی آنان همراه با تضمین حقوق شهروندی همه اتباع ایران مکرراً در چارچوب گزارشات اثبات شده جمهوری اسلامی ایران گزارش شده است؛ هرکس می‌تواند برای کسب اطلاعات بیشتر به آنها مراجعه کند. رعایت حقوق همه افراد، گروه‌های قومی و پیروان مذاهب مختلف همیشه یک سیاست ثابت قدم در ایران بوده است. همانگونه که در گزارشات قبلی اعلام شد، برنامه‌های مختلف اقتصادی و فرهنگی در مناطقی که گروه‌های قومی ایرانی در آنها زندگی می‌کنند اجرا شده است تا وضعیت زندگی آنها، بهزیستی و مشارکت سیاسی و اجتماعی آنها را ارتقاء دهد. در قوانین ایران، مجازات‌ها تنها مبتنی بر ارتکاب اقدامات غیرقانونی است و وابستگی افراد به گروه‌های قومی در این زمینه در نظر گرفته نمی‌شود.

9- قانون جدید مجازات اسلامی بر حق متهم به دسترسی به وکیل مدافع در مرحله تحقیقات تصریح کرده است. با آغاز مرحله تحت نظر قرار گرفتن به عنوان متهم، متهم می‌تواند تقاضا کند که یک وکیل حضور داشته باشد، و در مرحله تحقیقات ملاقات با وکیل اجباری است. پس از ملاقات با متهم، وکیل وی حتی می‌تواند مشاهدات خود را به صورت مکتوب در پرونده قرار دهد. تنها در جرایمی که در تبصره ماده ۴۸ ذکر شده است ملاقات با وکیل یک هفته پس از آغاز مرحله تحت نظر قرار گرفتن متهم صورت خواهد گرفت. بنابراین، این قانون جدید گام مهمی به سوی تحقق حقوق متهم و اجرای عدالت است که بسیار مهم است.

10- جمهوری اسلامی ایران با دقت و علاقه به توصیه‌هایی که طی چرخه دوم بررسی دوره‌ای جهانی (یوپی‌آر) به آن شد از منظر حقوقی، سیاسی، فرهنگی و ساختاری توجه کرد و در عین حال همه طرف‌های مرتبط را دخیل کرد. ایران حمایت خود از حدود ۶۵ درصد توصیه‌های دریافت شده را اعلام کرد. در حالیکه با موسسات دولتی مرتبط و اعضای جامعه مدنی مشورت می‌کرد، فرآیند اجرای توصیه‌های مورد قبول واقع شده را در برنامه خود قرار داد.

ملاحظات نهایی:

- متأسفانه، پیش‌نویس فعلی بر بندهایی از برخی لوایح که هنوز در مراحل اولیه تایید هستند و محتویات آنها هنوز نهایی نشده و در مرحله اجرا قرار ندارند متکی شده است. براساس این پیش‌نویس‌های لوایح نباید تقاسیر و نتیجه‌گیری‌های عجولانه انجام شود و باید اصلاح شود.

- بهرغم اطلاعیه‌های متعدد از سوی جمهوری اسلامی ایران در پیش‌نویس گزارش قبلی گزارشگر ویژه برای محکوم کردن تحریم‌های غیرانسانی علیه شهروندان ایران، اگرچه دیر، گزارشگر ویژه بالاخره در مقدمه پیش‌نویس گزارش‌اش به آثار مخرب تحریم‌ها بر حقوق شهروندان ایرانی اشاره کرد. با این حال با توجه به اینکه سند (A/HRC/RES/27/21) در راستای تکمیل گزارش نهایی است، انتظار می‌رود که اثرات مضر تحریم‌های غیرقانونی و غیرانسانی که اکثر شهروندان ایران را تحت تاثیر قرار دادند به طور کامل مد نظر قرار گرفته و محکوم شود و مجرمان محکوم شوند.
- ادعای ذکر شده در ابتدای بند ۷۵ که بدون مستندسازی مورد پیش‌دآوری قرار گرفته و ادعای آزار و اذیت ادامه دار یک گروه را مطرح می‌کند، این گزارش را از تعادل و بی‌طرفی که قوانین اولیه شیوه رفتار رویه‌های ویژه هستند خارج کرده و باید در گزارش نهایی اصلاح شود.
- در مدت زمان کوتاهی، جمهوری اسلامی ایران نظرات بیشتری را برای هر یک از بندهای گزارش پیش‌نویس آماده کرده است و انتظار دارد که تهیه کننده پیش‌نویس پاسخ ارائه شده را در گزارش نهایی به دقت مورد توجه قرار دهد.
- خوشبختانه در گزارش بر سیاست‌های اجرایی یا ملی که بر اساس نیازهای یک کشور و شرایط بودجه پیاده سازی می‌شوند تاکید شده است. در موارد متعدد پیش‌نویس گزارش به دستاوردهای عملی کشور اشاره کرده و از بیانات و فعالیت‌های چندین نفر از مقامات عالی‌رتبه استقبال کرده است. حرکت گزارش به سوی مسیری متعادل‌تر می‌تواند موقعیت‌های درک و تعامل را در آینده بهبودی بخشد.